



جلسه ۶۳

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه چهار شنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۱۰ - ۵ رمضان ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲۰۰ تومان  
 داشته ۱۰۰ تومان  
 نك شماره : يكقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۱۰ هـ (۵ رمضان ۱۳۵۰)

## فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس  
 (۲) شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار تریاک  
 (۳) تصویب صورت مجلس  
 (۴) شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار تریاک  
 (۵) موافق و دستور جلسه بعد - غنیمت جلسه

مجلس هشت ساعت بعد از ظهر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز شنبه هیجدهم دی ماه را آقای مؤید احمدی (مثنی) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

ولیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرضی ندارم

ولیس - آقای امیر

امیر - بنده در کلیات قانون انحصار اجازه خواستام

حالا عرضی ندارم

ولیس - آقای دشتی

دشتی - قبل از دستور

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (خیر)

صورت مجلس تصویب شد.

[ ۲ .. شور اول لایحه اصلاح قانون انحصار تریاک ]

ولیس - لایحه اصلاح قانون انحصار تریاک منتشر شده

است مطرح است مذاکره در کلیات است. آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - عرضی ندارم در اول فروردین

در موضوع زراعت تریاک و مالیات قانون انحصار در

مجلس پیش عرایض کردم و محتات قانون مالیات

جریانه را مدلل کردم و آقای وزیر مالیه اگرچه وعده

قلمی نبود لیکن فرمودند که مثاله میکم در صورتیکه

صلاح باشد لایحه جریانه را پیشنهاد خواهیم کرد.

متأسفانه این لایحه کاملاً بر خلاف آن ظرایف است

یعنی از آن حالی هم که بوده است بدتر میکند. عرض

کم حقیقتاً یکموضوعی برای بنده معمای لاینحل شده

است که میل دارم اینجا عرایضم را عرض کنم و این

\* \* \* عین مذاکرات مشروح هشت و سومین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰) دائرة تدقیق و نشر صورت مجلس

بسیا برای بنده حل شود. امروز ما ملازمه می کنیم  
از شخص اول دولت علیحضرت همانوقت، مجلس  
شورای ملی، حیث دولت، بلکه مردم هر کسی در سهم  
خودش مستحبش اقتضای است همه بیکوینده باید آورد  
اقتصادی را اصلاح کرد. بنده نیندادم عرض از اینکه  
آورد اقتصادی اصلاح شود چیست؟ بنده آنچه خود  
بمکرم آورد اقتصادی هر مملکتی این است که بتواند  
واردانش را کم کند و صادراتش را زیاد کند که ما  
هر روی همین اثره قانون انحصار تجارت را گذرانیم  
که مطابق اجناسی که وارد می شود از این مملکت بهمان  
اندازهم صادر شود اگر روزی انشایه موفق شدیم  
که صادرات مملکت ما زیاد بروردانمان شد آن روز  
است که می توانیم بگویم امور اقتصادی ما اصلاح شده  
است. واردات ما بکسکت چیزهایی است که البته چون  
مثابه در ایران دارد می توانیم صرفنظر کنیم و از خارج  
وارد نکنیم. بکسقت هم محل احتیاجمان است که  
باید وارد کنیم. اینکه در قسمت واردات اما در قسمت  
صادرات ما وقتی حکومت نگاه کنیم از حیث کیفیت زیاد  
است اما از حیث قیمت خیلی کم است پنی اقلترا که  
نگاه کنیم می بینیم صادره خیلی داریم. کثیره داریم و خا  
داریم، رنگ داریم، زیره داریم، پوست داریم، پنبه  
داریم، برنج داریم، قالی داریم، ترنک داریم، این چون  
چیزها لیکن از حیث قیمت می بینیم چیزهایی که حمل  
میکنیم چندان مبلغ قابلی نیست که بتواند مطابق ارقام  
واردات ما شود الا دو سه قلم داریم که اینها نسبتاً  
مهم است یکی قالی است و یکی ترنک که این دو تا  
صادرولست که نسبتاً مبلغ گزافی می رود بخارجه و پرل  
می شود نسبتاً قابلیمان بر خورده است بک اشکالاتی  
که البته در قسمت تجارت و دولت باید اذتمامی بکنند که  
آن مواج بر داشته شود و قالی ما مثل سابق در بازارهای  
دخا فروش برسد. بکسقت قیمت بود که قیمت عدمه صادرات  
است. ترنک بکسقت زبانی از ایران صادر می شود  
و می رود بخارجه و بک تعدادی پرل وارد این مملکت  
می شود عرض کردم در فروردین یک ادله آوردیم که

مالبتن را هم می دهه امر خودش را هم میگذرانند و  
اکثر ما محدود کردیم بک حد یعنی که از هزار ذرع  
کمتر زیاد ذرات بکنند و بکلی ذرات اینها از بین  
می رود. چیز دیگری هم نمی توانند بد بکارند همه جا  
را قیاس کنید که جاهالی است ده جریب سیت جریب  
سی جریب ترنک ذرات می کنند جریب پاضد ذرع  
چهار صد ذرع هفتصد ذرع هشتصد ذرع در هر قریه  
در هر کوهستان ذرات میکنند و این مقدار را بر میدارند  
و قتی که ما محدود کردیم که خبر حتماً هزار ذرع است  
از بین می رود این بک موضوع موضوع دوم اینکه  
همچنانکه برای مستخدمین دولت سابقه است برای ترنک  
هم سابقه خدمت قلم می شویم پنی سابقه ذرات دانه  
باشد و اگر نهانته باشد اجازه نمی دهیم. سوم این که  
در قطعات متصله باشد. این را بنده نمی دادم. بنده قطع  
دارم که آقای وزیر مالیه البته خودشان که این لایحه  
را تهیه نکرده اند. اداره انحصار تهیه کرده است و بنظر  
آقا رسانده است آقا هم آورده اند بمجلس لیکن این  
قدر فکر نکرده اند که املاک خودره مالک است آقا  
اراضی تقسیم است (صحیح است) هر دهی دو آیش  
دارد سه آیش دارد بنده زمین اینطرف است آن است  
مالک زمینش آنطرف ده واقع شده است در قطعات  
متصله چنانچه ذرات بکنند این را بنده قویمید آخر  
کار کسی مالک باشد و بداند ترنک تقسیم اراضی ده را  
وین مالکین میدانند که محال است این در کسک قطعات متصله  
است (صحیح است) بالاخر حالا چون در کسکات صحبت  
میکنیم در این قسمت هم بنده عرض می کنم. قسمتی  
که راجع به بیجا زانها نوشته شده است آنها هم بکلی  
بر خلاف ترنک قضائی است که یکی از مستخدمین دولت  
و مستغنی کردن بدون اینکه سابقه قضائی داشته باشد  
یا اگر نداشت آن جریبه میندرا بدهد الی الاید در  
مجلس بماند. اینها بنده نیندادم و عیناً نخواهش می کنم  
از آقای وزیر مالیه که آن نظر اولیه را توضیح بفرمایند  
پنی در صورتیکه ما تمامان باید کوشش کنیم که هر چه  
می توانیم صادر کنیم و بول وارد این مملکت کنیم و در  
مقابلش وارداتی که محل احتیاج است وارد کنیم یا این

ترنک از یک صادره بزرگمان جلوگیری کنیم اینکه  
مخالف آن عقیده کلی ما است از این جهت بنده با این  
لایحه مخالفم و خیلی هم متأسف هستم که در تب کسکات  
داشتیم و توافقیم در فرآکتیون حاضر شوم و عرض  
خودم را عرض کنم این است که عرض می خودم را در  
کلیات و مواد این لایحه عرض کردم که بقیه بنده  
این لایحه گذشتن از مجلس بک لطفه پردگی بر عبت  
و ذرات ترنک و باقتصادیات کلی مملکت می زند.  
(صحیح است)  
رئیس - آقای ملک مدنی موافقت؟  
ملک مدنی - خیر مخالف هستم  
رئیس آقای انسر موافقت  
انسر - بل موافقت در کلیاتش.  
انسر - البته در قسمت صادرات جریبانه و آت  
مذاکرانی که فرودند جوانان را باید آقای وزیر مالیه  
برنامه برای اینکه بنده نیندادم مصلحت چه بود که  
این لایحه را آوردند و بنده در کلیات لایحه موافقت  
دارم لیکن از منظر مواد در مادهها نظراتم را خواهم  
گفت و هر عرضی دارم خواهم کرد اما در کلیاتش که  
آیا این قانون صلاح است که از طرف دولت پیشنهاد  
شود و زیاد هم بمجلس مطرح شود بنده موافقت هستم  
و البته اگر خوبی بدست یاید هر عرضی را از چند  
به آن اکتفا کند قطعاً از کونامی نظر است که خوبتر  
در بگذارد و بخوب قانع شود. و البته هر وی نیست به  
بدر خویست و این قانون هم نسبت بقانون سابق از چند  
جهت موجب تسهیل امور مردم است جهت این که آن  
چا نوشته بود پنج سال حبس و اینچا نوشته سه سال  
ولی البته بنده با سه سال هم مخالف هستم و در موقعش  
عرض می کنم و البته بیجا حس را بده - سال تبغیل  
کم خوب کاری است در آنجا نوشته بود که اگر  
اداره تحدید بک کسی را محکوم کرد بولهاش را  
بگیرد بدو برود و بدله ولی اینجا نوشته است میبک  
فرارش را صادر کرد می تواند برود بدله اینجا هست  
و آنجا نبود و هم چنین سایر موادش چهار پنج

و شش است قانونی که این چالشین آن خواهد شد قانون خوبی است ولی باید مطرح شود مذهب بنده هم در پنج شش مذهبها مخالف کم عرض خواهد کرد ولی هیچ مورد میباید که ما این قانون را امروز نگذاریم باید جریان آن هنوز دولت نیاورده و آقا پادشاه خواهد رسید و آن این افتخار بنامه بنده برای ما مصلحت نیست برای اینکه چندان است ما منتظریم که قانون جریان یابد و چون امیدوار هستیم که آن را بیاورند لذا باید مواظف که این مطرح شود بک نشیانی است قانون سابق برای مردم پیدا شود.

رئیس - آقای ملک زاده موافقت؟

ملک علی - بنده!

رئیس - خوب آقای ملک زاده است.

دکتر ملک زاده - بنده متأسفانه باین لایحه مخالف دو آنگه هست یعنی موخلاف لایحه که آمده است هست و مو مخالف اظهاراتی که آقای مؤیدی ابراهیمی فرمودند. اول از قسمت ایشان شروع می کنم چون در اینجا اظهار فرمودند و اظهار تأسفک کردند که لایحه دولت کثرت تریاک را از بین می برد.

انتظار - پس موافقت.

دکتر ملک زاده - یک فدری نامل بفرمایید. البته بنده از قنططر نوع روبروی از قنططر صحنی در اینجا نمیخواهم مضرت روحی و اخلاقی و جسمی تریاک را ذکر کرده بشم ولی گمان میبکد که آرزوی تمام اصلاح طلب های دنیا این است که بک قانونی استعمال این سم مملک بکنی ممنوع شود (صبح است) و اعتراض هم بدولت راجع باساس مسئله است. دو سه دقیقه این قانون تا بحال آمده است ببجس و اصلاحاتی در اطراف آن شده است و چند دفعه هم در دوره گذشت آقای وزیر مالیه نعلی یک اصلاحاتی را آورده ببجس شورای ملی فخر باینکه عواید تعدید تریاک یکی از پایه های مهم بودجه مملکتی را تشکیل میدهد و آقا مشغول تنظیم و تبدیل بودجه بودند در آن موقع اظهار عقیده در این موضوع نکردم دیدم اندک مخالفتی

ممکن است اساس بوده مملکتی را متزلزل کند ولی امیدوار بودیم بعد از اینکه آقای وزیر مالیه (که بقایه ایشان کمالا واقف هستیم) موفقیت حاصل کردند در تبدیل بودجه بک فکر اساسی راجع بهسله تریاک بشود. بنده سرراحتا این مسئله را این اظهار میبکد که همان طوره که یک شخص حق ندارد برای تأمین زندگانی خودش دکان زهر فروشی سم فروشی باز کند دولت هم نباید حتی الامکان عواید خودش را در روی یک سسی بگذارد که ضرر صحنی و منوی برای مملکت و همه جا دارد. این اساس فکر من است. و اگر آقایان و مخصوصاً خود آقای وزیر مالیه بحفاظتشان مراجعه فرمایند روز اول در اوایل مشروطیت که قوانین وضع شد و مذاکراتی در اطراف تحدید تریاک شد اصلاً قنططر قانون گذار و زمامداران وقت این نبود که دولت استفاده مالی از این راودبکد بلکه بنفیدود که بود که از این طریق استعمال تریاک را در داخله ازاین راه محدود بکند و از بین برد ولی متأسفانه روح فتنه و روح فکر قانون گذار کم کم از میان رفته است و کار یک صورت دیگری در آمده است که جنبه ایستایی را از دست داده و هیچ فکری نه درلایح و نه در مجلس در اطراف این موضوع نمی شود مخصوصاً در داخله و بنده لازم میدانم بطور فرمالیه عرض میبکد که عواید تریاک بر دو جور است یک بخشش راجع بدخانه است و یک بخشش راجع بخارجیه. آن قسمتی که راجع بخارجیه است که بک قسمت عواید دولت از این راه است هنوز جنبه نوع روبروی بنده باینجا نرسیده است که از حدود وطن خودم و مملکت خودم و صحت اجمالی مملکت خودم تجاوز کنم و چون آن قسمت عواید مهم دولت را تشکیل میدهد در این موضوع عرض ندارم ولی بک قسمت جزئی که تقریباً بک بنیم این عواید راجع می شود باستعمال تریاک در داخله مملکت و بنده امیدوار بودم که دولت بک قوانینی وضع بکند که کم کم استعمال تریاک در این مملکت محدود بشود و این سم مملک یکی از میان برود و بالاخره بک خصصی یا متبلیان راجع و زیاد آنگه کرده باشد. چون امروز ثابت

بنده است که نه فقط استعمال این سم در روحیات و اخلاق و مزاج شخصی که استعمال می کند اثر دارد بلکه در زادهای آنگه هم اثرات سوء دارد این است که بنده بیخواهم سؤال کنم از آقای وزیر مالیه که دولت راجع باصل موضوع چه نظر گرفته اند ازبیرای محدود کردن این سم در داخله.

رئیس - آقای رئیس التجار موافقت

آقا ضامه هندی - بیه

رئیس - آقای قنطی

لطیفی - بیاناتی که آقای مؤید احمدی فرمودند آن که نسبتی که راجع بکلیات است البته همه ماها تصدیق داریم و دوستی اقتصادی مملکت بواسطه جوانی بواسطه تنزل قیمت کم کم برقع و سایر جهات دیگر مثل همه دنیا البته خوب نیست ولی اگر باز هم بنا باشد با دنیا مقایسه کنیم تصور میبکد که مملکت ایران از هر جهت عوزده باشد. در آن قسمتهایش البته هیچکس تردیدی ندارد و مسلماً اشکال هم نیست و البته دولت هم بیشتر از ماها جدید خواهد کرد و بدتر خواهد بود که هرچه ممکن است وضیعت را بد صورت بهتری در بیاورد. البته ما هم هر قدر توانیم کمک فکری و عملی بکنیم. اما مدرس مسئله این لایحه بنامه بنده ای فرمودند که قتیق جسداتن می شود و موردی که باین لایحه را مکرر خوانم و چون عضو کمیسیون قوانین مالیه هم بودم در آنجا هم چندین روز دیش صحت و مذاکره کردم بنامه بنده هیچ قتیقی جسداتن در این لایحه ملاحظه ننمدم چند جمله بود که فرمودند و بنده یادداشت کردم بیکتست فرمودند که بجز این است که این مالیات تبدیل بمالیات لرنش شود. اگر چه حالا در اینجا بنده شاید دلالتی که دارم راجع بسختیافت این قسمت عرض بکنم ولی همینقدر بسطی بکنم بآقا عرض میبکد که اگر این مالیات هم تبدیل بمالیات لرنش شود وضیعت اقتصادی هزار مرتبه بدتر خواهد شد یعنی بکلی حالت املانز از این اندازه هم که هست بدتر خواهد شد وضیعت زانوع هم به مراتب بدتر از امروز خواهد شد حالا چون این موضوع

بدرج نیست بنده دلالتی آنرا عرض نمیکنم. و وارد در همین قسمت لایحه می شوم. باینکه قانونی هم فرمودند که این هم خیلی بظنر بنده مستهذب آمد و چون در مجلس مذاکره شد ناچارم عرض کنم فرمودند که ما کرایه را در موفیقک ردیس کل عایدات بوده است در اینجا باینکه کتای انتشار داده است که عایدات تریاک مملکت ما را در سال پنجاه و پنج کروم تومان برآورد کرده است. بنده این مسئله را نمی توانم قبول کنم. برای اینکه مطابق صورتهای کم موجود است هیچوقت عایدات تریاک ایران باین رقم نرسیده است برای اینکه حساب آن خیلی سهل است. ما بیکتقدار تریاک کجی هر سال حمل بخارجیه میبکیم این صورتنش در هرکس موجود است و فروشش هم در خارجیه تقریباً هر صد نفوس پنج لیره بالا و باینکه می توانیم میان کتب و بظنر بنده نصف این مبلغ هم عایدات تریاک ما نخواهد شد. اما اصل این لایحه همینطوریکه شاهزاده انصرم فرمودند چون این لایحه بک موادی است که تدوین و تنظیم شده است و اینجا بظنر آقایان می رسد که بیچاره ای قنیه آمده است اولاً در قسمت مجازاتنایش اگر از این کم شد بدتر بود هیچ اشکالی نداشت برای اینکه ما طرفدار قیاقی که نیشتم اگر بک کسی مرتکب عدل قیاقی شد البته باید مجازاتنش کند اشکال ندارد از این هم چندین بار عایداتن ندارد از قنیه نعلی این لایحه نه از قنیه نظر بد عایدات قیاقی ها ولی از قنیه نظر تخمین تکلیف در آن قسمت هم باز باین مقدار تسهیل شده است برای اینکه سابق بر این اگر بک نفر بیکتقدار تریاک قیاقی کرده بود بک مبلغی هم جرم به آن تلقی کرده بود و آن را نداشت بدعه می بردند و محبس و معلوم نکرده بود که چه موعدی باید این شخص را مستخلص کرد اینجا بالاخره بک موعدی مین شده که اگر نداشت بدعه در حال ایام جسب از پیش از سه سال نخواهد بود. در این قسمت هم بدروسیریکه بنده شخصاً بیحقوق موافق تسهیلش نیشتم برای تخمین تکلیف بک تسهیلی هم قائل ندمند. اما راجع بدانه اول که مورد بیکتست از اشکالات آقا بود. فرمودند که این ماده ممکن است که بک قضیه قنیه



چون زراعات دومی داریم که اگر بخواهیم محدود کنیم که از یک جریب کمتر نفوذ چون آن هم دو پ، و ما هو است این را بنده استدعا می‌کنم آقای وزیر مالیه موافقت فرمایند که این قسمت از قانون حذف شود که مشکلائی برای مردم ایجاد نکند. و الا در دستهای دیگر بنده خیال میکنم اگر تطبیق فرمایند با قوانین گذشته یعنی قانون‌های سابق را برادرید ملاحظه کنید خواهد دید باین قانون برای مردم و زارعین از هر جهت تسهیلی فراهم شده است.

ولیس - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - عرض کنم بنده هم عقیده آقای فاطمی را دارم که این لایحه را البته آقای وزیر مالیه از قلمه نظر تسهیل بمجلس آورده‌اند و زحمتهای بی‌شمار که اکثر ایشان نظری است که میخواهند آن قانون بنده را سابق لایحه قدری تسهیل کرده باشند و وسائل تسهیل و آسایش زارعین و ملاکین را فراهم کرده باشند در این زحمتهای بی‌شمار ولی در این لایحه هم دو سه ماده هست که حقیقتاً اگر باقی بماند اسباب زحمت و اشکالاتی برای زارعین می‌شود. و تصور میکنم برخورد آقای وزیر مالیه هم باین اندازه روشن شده باشد که همه ما ها نظرم این است که وسالی را ایجاد کنیم که محصولاتی که جنبه زراعتی دارد برای دولت و مالکیت که طبقه زبای از این محصول در دولت دارند برزاق میکنند آنها را منصفانه باشند هم و مجلس هم دولت همین عقیده دارند. و قوانینش را هم بایست طوری گذارند که آن طبقه که زارع است و باین قانون آسایش دارد دچار زحمت نباشد. بنظر بنده ماده دو این قانون که زرع تره‌ها را محدود میکند این یک تعزیری و تالیفی است که برای زارعین میکند بنابراین بهتر این است که ماده دو بکلی حذف شود و در اصطلاحی که بنام زارعین آزاد بودند که در هزاره سه هزار پنج هزار ذرع هر قدری که مقدورشان بوده است آماده میکردند برای زراعت تره‌ها با تمام حاصلات و برکات سابقاً بوده در آیه هم دیده‌اند و برای اینکه این غیر عملی است و ممکن نیست تا بنامون یک

حدی همین کنیم برای اینکه زارعین باید در بکسنت از ارشش منبئی زرع تره‌ها کرده باشند و البته در موقعی که وارد مواد شدیم بنده یک پیشنهادی دارم و قطع دارم که کپی‌بوند قوانین مالیه هم با این نظر موافقت فرمایند بکسنت دیگر هم بعقیده بنده ماده اول است که میگوید باید زارعین همه ساله بیایند و استیجاز کنند برای زرع تره‌ها در این قسمت هم تصور میکنم باید یک نظری گرفت که اگر دولت دوازدهت مالیه منظور این است که یک احصایه داشته باشد طوری باشد که زحمت و اشکالی برای زارع عمودید نکند اکثر آقایان میدانند که زارع تره‌ها اختصاصاً هستند که هر کدام فرض فرمایند که در یک ده، دصفر دصمتر زراع تره‌ها است دو قسمت فرسخ پنجده فرسخ هم از مرکز طهران دور است اینها چطور میتوانند بیایند در هر وقت با داره مالیه مراجعه کنند و جواز بگیرند و اسم خودشان را بگویند و بنویسند این یک زحمت و اشکالی برای مردم تولید کند و بنظر بنده هم لزومی ندارد زیرا دولت همه سال یعنی وزارت مالیه مکلف است در موقع برداشتن محصول مأمورین را برسد و جزایری کند وقتیکه مأمورین تره‌ها را جزایری و کنترل میکنند و تحت نظر خودش فرار میدهد چه لزومی دارد که مأمورین را مکلف کنیم که بیایند و اجازه بگیرند و در ضمن آن اجازه هم شاید یک اجباری هم بدو مأمورین انحصار تره‌ها تولید مشکلات و زحمت برای مردم فراهم کنند. در قسمت مواد مجازاتی هم که در این لایحه است چون بنده اصولاً طرفدار این قسم است حتی المقدور باید قوانین سخت بگذاریم که قاچاق را جلوگیری کنیم هیچ بنده در آن قسمت نظری ندارم و هر قدر هم تعزیری نباشد بیخاشی که قاچاقچی هستند مخالف نیستم زیرا باید آنها را محدود کرد و تذکرات هم یک همچو عملی بکنند و بیگمناکی است قانونی دارد مبادرت کرده باشند و واضح است که خود آقای وزیر مالیه لایحه آوردند بمجلس و گذارند

بنده عرض میکنم که هیچ تعزیری نمی‌کند سابقاً خدمت و سابقاً تره‌ها کار می‌لازم نداشتند. دولت ایشان هم در آن قلمه نظر اقتصادی که فرمودند همین حدود میزان برای اینکه پیشتر خریدار داشته باشد و لایحه را بنا باشد می‌تواند داده شود همه جور اصلاحاتی درش خواهد بود باین جهت است که دولت میخواهد و اینکه دهر سال در هر شهری چه مقدار زراعت تره‌ها می‌شود برای اینکه هیچ مشکلائی ندارد برای اینکه هیچ مخارجی هیچ زحمتی ندارد. بنده که میخواهم زراعت تره‌ها یکم در آن موعده یعنی که نوشته‌اند یک اظهارنامه میدهم (بدون اینکه خبری تسهیل شود) با داره مالیه طهران اداره مالیه می‌گوید بسیار خوب برود اما باید بنده پند هم بقیه زرباشان مطابق قانون جزایری است و اشکالی هم ندارد مطابق وضعیت کنونی است چیز تازه نیست. بکسنت هم که برای مردم مشکلات بود مسئله تمهید بود که آن هم که یعنی جاها یک تمهیدهای اجباری پاره مأمورین از مردم می‌گرفتند آن هم بویج نبیره که این‌جا گذارده‌اند است تمهید هم بد از این اختیاری است. اگر یک کسی دید تره‌ها در مزدهنش بمل می‌آید تمهید میکند و اگر هم دید نمی‌شود اصلاح نمود نمیکند می‌گوید مزده‌ایست من تره‌ها کاشتم هر مقدار که عمل آمد دولت بود و از اعداد را بدید. در این فرمایشاتی که آقای مؤید احمدی فرمودند یک قسمت بود و اینکه بنده خودم با این لایحه موافق نیستم یعنی آنکه بنده فرموده راجع به اینکه یک جریب بود. بنده خودم هم عرض میکنم که این قضیه را تذکر نداشت ولی در پیش بند از این که شاهزاده افسر فرموده سه‌ده دیه را بنده فوراً تذکره کردم که این برای مردم اشکالاتی را تولید خواهد کرد.

ما میپذیریم در هیئت وزراء شور میکنیم همه آقایان وزراء شور میکنند بعد برودیم در کمیسیون قوانین مالییه و بنا دوازده نفر آقایانیکه مطلع و بسیر بودند خیلی هم عرضی طولی شورش بعد آوردیم در جلسه خصوصی شور کردیم در این چهارم دوشور رسمی قانونی بعمل می آید بملاده در صورت اول هم پیشنهاداتی که میبرد میبرد بکمیسیون والیه در آن جا در نظر میگیریم و اجوع می کنیم باقی تجدید نظر و بحث می کنیم و اگر چیزی باقی بماند مسلم بود که اسباب زحمت مملکت ورعیت است و ضرر دارد البته ما قصدی نداریم قصد ما این است که هم عدالت و حقانیت جاری شود و هم عبادت مملکت محفوظ بماند و هم عبادت دولت . این را اول هم عرض کردم که باین لایحه منبسطم و تمام مواضع هم معتقد هستم ولی اینرا هم باید عرض کنم که تمام مواد این لایحه هم در نظر بنده بک اهمیت را ندارد اهمیت عمده آن بسته است بمواد جزائی و قضائی واکه در آن ذکر شد و این لایحه برای همین منظور آورده شده است و این بک نظر اساسی و شیعی واجبی است و لازم است چونکه معامله ما و ترتیب جریان امر تاحالاً کاملاً بر طبق مقررات قضائی در نمی آید و با مقررات صحیحه تطبیق نمیکرد خود ما مورد دولت حکم می کرده است چاره هم نبوده است و ضمیم گرفته است و بهیچانتهائی . اگر چه در آن لایحه هم مجازاتهای برای قاجاقچی ها همین شد است اینجا در مجازاتها هم بک تخفیف داده شده است و هم با مقررات قضائی وقتی داده میشود و مخصوصاً در این باب محاکم عدلیه و وزارت عدلیه غیبی اصرار داشتند برای آنکه روابط شان را با اداره انصاور غیبی منظم تر و مرتب تر کنند و این هم باید معلوم شود وقتی صحبت از قاجاق میشود بیشتر منظور مملکت این نیست که این زبان بعبادت دولت وارد می آید با نمی آورد که اینجا گفته میشود اینجا بنده عرض نمیکنم اگر بعبادت دولت هم زبان نداشت باز آقایان هم علاقمند باشیبه واقع میشود چون دولت که غیر از ملت و مملکت

پروری ما از حدود وطن نباید خارج شود و اگر در خارجه هر قدر هم انتشار پیدا کند هیچ زبانی ندارد و نباید ما غرض نمائیم آنها را هم مجبوریم بنده عرض میکنم اگر اتفاق در مجلس پیدا بشود که تریاک محدود شود بنده در این عقیده که اظهار کردم ثابت هستم حتی اگر سلب عقیده و اعتماد هم از ما بکنند باز بنده در عقیده خود ثابت و راسخ هستم (عده از نمایندگان - کسان - همه همینطورند) و هیچ ما ما میل نداریم این سه در دنیا تشویق و ترویج بشود (نمایندگان - صحیح است) بیت عموم ما بر این است که بقدر کافی همستی کنیم با ملایمت و در با آهنگی که میخواهند محدود کنند ما هم محدود میکنیم (صحیح است) اگر آنها می خواهند محدود کنند ما همین کار را می کنیم (صحیح است) اما تجدید تریاک اول قدم محدودیت آن است (صحیح است) آن مالکی هم که این عقیده را دارند در داخله خودشان تجدید کرده اند تجدید دارند و هنوز پول دارند و منصورشان این است که از این راه آن را کم کند و اگر این تجدید تریاک در داخله ما نبود خیلی بیشتر از آنها مصرف میشد گران قیمت خیلی تأثیر زد کم مصرف شدن دارد این فیود خیلی تأثیر دارد اگر تریاک می باندل بود و امروزه ما باندل را آزاد می کردیم و می گفتیم هر کس که می خواهد بگذرد هر کس هم که می خواهد بکشد پیشاً چنین برابر مصرف می شد. حالاً هم ممکن است گفته شود علاوه بر باندل هم کشیده می شود و آن قاجاق است. برای جلوگیری از همین قاجاق است که مابین قوانین ما گذاریم برای اینکه جلوگیری بشود از قاجاق باندل هم که هست و قیبتش گران است و تریاک را گران می کند و لابد کمتر خواهند کشید و پندرج کمتر مصرف می شود اگر خرید مثل تباکو و توتون چینی بود که خیلی بیشتر می کشیدند پس ما باید سعی کنیم در تقلیل و تجدید تریاک و عقیده قضایی ما باید همین باشد که روز بروز در داخله محدودتر و متدینتر می آید که این اتفاق پندرج از این برود و دیگر اثری از

آن باقی نماند. در خارجه هم البته هم عالم بد ما را می دانند ما مکرر گفته ایم در مجامع دنیا که این پلنگ پییزی است یکی از سادات مملکت ما بوده است ما این را ایجاد نکردیم و وقتی هم که این قل و قیل ها نبوده است این جنس صادر می شده است و برای مملکت ما یکی از اقلام مهم صادرات ملی و عبادت مملکتی بوده است مایک مرتبه نمی توانستیم این را هم بتریم برای این که معلوم شود که این پلنگ کار بدی است (صحیح است) لهذا دوباره می گویم که قصد ما البته بآن حسن نبوی که داریم این است و استقبال می کنیم هر قدر می راک پندرج برای محدود شدن این کار در دنیا پیدا بشود. و دوباره عرض میکنم که قصد ما توسعه دادن کار نیست و نمی خواهم آزادی تکثیر کنیم (صحیح است) و نسبت ما این نیست ولی آقایان می توانند که هیچ نگارنی نمانند باشند و مطمئن هم باشند که این لایحه برای این هم نیست که بک تقلیل مفرطی هم در این کار داده شود و محدود کند زراعت تریاک را یا معدوم کند و بیکاره از این برود. شیوه این نیست و اگر پلنگ ماده باشد و ممکن است خود بخود که ضرر بزند بنده حاضرم که در این جا آن اصلاحاتی را که لازم است بکند و مذاکره و مطالعه بیشتری بکنم. (صحیح است. مذاکرات کافی است)

دقیقاً - آقایانیکه باوررد در شور موافقت دارند قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

دقیقاً - تصویب شد ماده اول قرائت میشود: ماده اول - بکلیه ایالات و ولایاتی که تاکنون زراعت تریاک داشته اند بیساختی که دهر سال سهام قیل از شروع بزوع تریاک از طرف هیئت دولت مین خواهد شد اجازه زرع داده می شود.

دقیقاً - آقای بنکی: (اکثر قیام نمودند) این چه است. آقایان نمایندگان ما من صحبت می کرد که چه ضرر دارد اگر دولت پلنگ لایحه باوردد بسجلیس که بموجب آن لایحه بکلی زراعت

ترباک را در مملکت موقوف کند. این عقید و این فکر عقیده بزرگ و بدفکری نیست که دولت یک لایحه لایحه بپروید و زراعت و کشت ترباک را در مملکت بکلی از بین ببرد و موقوف کند ولو این که در نتیجه این لایحه صد هزار تن ترباک می بپرند برای اینکه بکفنه این سم مهلک از مملکت برداشته شود. اصولاً این حرف بدی نیست برای اینکه بالاخره چاشمه نصیبه می شود و خالص می شود ولیکن عدم اعضای فالیجی که غیر از شقیف کردن است آنگاه هیچ مفید فایده نیستند از زبان می روند و چاشمه را راحت می کنند ولی دو نکته هست که مانع است از اینکه دولت همچو اقدامی بکند یکی اینکه اولاً دولت نمی تواند امروز از ورود ترباک قاجاق پداخته جلویگیری کند الا آن در حدود مرصا تقریباً صدای هشتاد صدی هفتاد قدهای که مصرف می شود قدهای قاجاق است پس بنابراین وقتی که قد این طور باشد قاجاق ترباک خیلی آسانتر است اگر ما زراعت ترباک را محدود کنیم و از بین ببریم بطور قسم ترباک قاجاق از خارجه وارد خواهد شد و مردم هم فردا ترباک خواهند کفید پس بنابراین از این لحاظ باز مفید نیست. یکی دیگر اینکه امروز یک نسبت اعظم و مهم قوت مملکت پداخته از زراعت ترباک است و خیلی حقیقتاً باید متأسف بود که این ترباک است. تقریباً در حدود پانزده میلیون شازده میلیون لیست میلیون صادرات ترباک است. اگر ما کلیه صادرات مملکت را در نظر بگیریم آتوق می بینیم که این پانزده یا شانزده یا بیست میلیون یک عبادت زیادی است که حذف آن از صادرات مملکت بکلی مملکت را فلج و فقیر خواهد کرد پس با این ما بطور اضطرار و اجبار می توانیم زراعت ترباک را موقوف و مانی کنیم این مثل این است. بر که یک شخصی بپودج خانه اش را بطور دقیق و کمال سرانه چوئی بدهای مثلا صد تومان زمین کرده باشد این بطور کلی اگر در ده پانچ تومان از ازش کم شود بکلی او در زندگانش مغل می شود و حالا مملکت ما مملکت خرابی است نظیر این حال که اگر این زراعت از بین برود بکلی نتوانیم بپودج ما به هم خورد و بکلی ما فقیر و بدبخت خواهیم شد حالا

خورد و بکلی ما فقیر و بدبخت خواهیم شد حالا مفید کند با اجازه وزارت مالیه پنی هیچکس در هیچ جای مملکت حق ندارد ترباک زراعت بکند مگر با اجازه وزارت مالیه پنی قبلاً اجازه باید بگیرد جواز بگیرد نتیجه این کار چیست نتیجه اش این است که یک راه دخل نامشروعی در سراسر مملکت برای مأمورین جزء دولت پیدا بشود. البته دولت دداین باب مقصر نیست برای اینکه دولت نمی تواند تمام مأمورینش را مثل سلمان فارس امتخاب کند دولت هیچ تقصیر ندارد ولی البته در گوشه های جهرم یا نسا یا کازرون و داراب و بابک و کرمان اگر یک زارعی یک جوازی خواست از تحصیلدار مالیه یا مأمور و مباشر مالیه و اینها باو جواز ندادند تکلیفش چیست تکلیفش این است که ده تومان پست تومان سی تومان باو بول بدهد تا جوازش را بدهد و الا نمی گذارند.

**کلوزلی** - - - مثل ذغال

**دشتی** - آقای کلوزوزی اسم ذغال را بردند بنده می ناست نیدانم راجع بذغال سنگ هم یک عرضی بکنم ذغال همیشه در طهران (کلوزوزی - غیر سنگ هم همین طور است) از خرواری شش نوسمان ای می منت تومان و منت تومان و نیم نتجاوز نمی کرد و فراوان هم بود اصل دولت یک لایحه آورد مجلس وزارت اقتصاد ملی لایحه آورد و بالاخره چندین هزار تومان اعتبار گرفت و هر طوری بود لایحه اش گذشت و در ضمن مذاکرات لایحه می گفتند که ما نمی خواهیم بطور چیز بطور تلباری استخراج کنیم و بفرودیم غیر ما می خواهیم بطوریکه برای مردم تسهیل فراهم بشود و خیلی ارزان و فراوان و در دسترس همه باشد این را استخراج کنیم و امروز ذغال سنگ در طهران خرابی است ده تومان است (ده از نایابانند - ۱۲ تومان) بی ۱۲ تومان است آقا و پیدا هم نمیشود (مصحح است) و این نتیجه تمام مأمورین دولت است با مردم و اشتغال شان بکارهای تباری (مصحح است) این

است که بنده مستفاد تصور میکنم غالب همکاران محترم بنده هم باینده شریک و همفکر باشند که هر قدر ناس مردم با مأمورین دولت کمز باشد بهتر است (مصحح است) هر قدر ناس مأمورین با کارهای آزاد مردم با زراعت مردم مثلاً با ترباک کاری مردم کمتر باشد بهتر است (مصحح است) این یک اصل کلی است و خیلی هم برای مردم مفیدتر و بهتر است. حالا اگر ما بطوریکه این لایحه را تصویب کنیم و عرض کنیم که مأمورین دولت را مستقیماً با مزراع ترباک در ولایات سروکار بدهیم و نتیجه اش این خواهد شد که زراعت ترباک بکلی از بین خواهد رفت. آقای وزیر مالیه دیشب هم اظهار می کردند که تصدعه و غیرش کلی از این لایحه جلوگیری از قاجاق است یعنی ملت غامی تقدیم این لایحه جلوگیری از قاجاق است تصدیه زراعت ترباک. در مورد تصدیه آن که بنده عرض کردم بنظر بنده شاید تصدیه می باشد که تصویب این لایحه مناسبت فظول و تصدیه زراعت ترباک خواهد بود (مصحح است) ولو اینکه دولت این قصد را نداشته باشد. اما راجع قاجاق در موضوع قاجاق آقا باید دولت يك وسائل عمالی و سهل تری برای جلوگیری از این کار ایجاد کند که اسباب زحمت مردم نهد. الا آنرا قریب دو سال است که صحبت در سر این است که مالیات ترباک را جریانه بگیرند. یکی زار مأمورین مالیه از ترکیه آگنه بود که نه با ایران را وقتش باعداد و زمین چسبیده است مالیات ازش نمی گیرند و وقتی که پادمی آورد و می خواهد فرار کند آتوق ازش مالیات می گیرند پنی زراعت ترباک تا وقتی که زمین چسبیده است مالیات ازش نمی گیرند ولی وقتی که شیره یا ترباک شد و رسید فرار می کند پنی قاجاق می کند آتوق که ممکن است خرابی یک کاه یا یک صندوق نقد بگذارد مرکب و فرازش بدهد. آتوق می خواهد ازش مالیات بگیرند و این ممکن نمی شود. گفته اگر باندل را برداریم تصدیه را برداریم استعمال ترباک در خانه چند برابر زودتر خواهد شد بنده با این عقیده

هم مخالف و بنده تصور می کند؛ این قانون هم هیچ فرق نخواهد کرد و برای تحدید استعمال این آذوقه کافی نیست برای اینکه این تحدید باعث تقلیل استعمال تریاک نشده است بلکه باعث ازدیاد قاچاق شده است مردم همه قاچاق میکنند. یک شخصی از اعضاء تریاک انحصار کراچی نامن سبب می کرد می گفت عابدان کرمان قریب بیست هزار خروار پسا بیست هزار من (همچو چیزهای است دردت نیدانم مقدارش را) و از این مقدار یک لکش عمل کرد دولت بیشتر نیست و البته پیشای قاچاق می شود. اغلب جاها همینطور است که تحدید فقط باعث از زیاد قاچاق شده است، نه قلت استعمال است دولت اگر بنخواهد جلوگیری از استعمال تریاک بکند بقیده بنده هیچ لازم نیست که باید و با این شکل تماس بدهد مردم را با مأمورین دولت و مردم را پایدل کند ممکن است اینها را یک مقاله صحیحی بدش بکنند و جراته مین کنند ممکن است بر اراضی تریاک یک مالینی وضع کند آن مالیان حتماً باید داده شود (عده از نمایندگان ... خبر آقا این خوب نیست) خوب حالا این یکن مثنی است که عرض کردم حالا شورای است با مسیح نیست کاری ندانم سخنانی این یک توری و فکری است که بنده عرض کردم و البته در این نظر باید مطالعه و فکر کرد ولی این عقیده بنده بر اینست هر است از اینکه سه ماده باید پاینده و اجازه بگیرند و معطل شوند آنرا شکلاتی باشند. عرض کردم و مأمورین دولت مالیه در تماس باشند. بعضی یکی از نمایندگان بزد آقای دکتر طاهری بودند اظهار کردند که در پایک بزد تریاک کاری است و از آن جا بزد هم فرسخ است و آن رعیتی که اینجا است هم از ذوق این تریاک تحصیل کرد برای او هیچ از سه ماهه آقای وزیر مالیه در جوابش فرمودند این عملی نیست. آقای وزیر مالیه در جوابش فرمودند این که ممکن است مأمورین جزئی مین گویند که در همانجا مأمور جزء جواز بدهد و او حالا ملاحظه فرمایند اگر سر و کار مردم با مأمورین جزء بیرون چه قدرتی خواهد داشت و مردم چه حال می یابند خواهند کرد؟ بنده عرض

جواز را بهتر ترتیب هست می گیرم و این بالاخره یک راه دخل نامشروعی از برای مأمورین دولت باز میکند. قسمت دیگر این ماده که بقیده بنده مضر است تحدید و تعیین مساحتی است که هر سال باید ذرع شود و آن این است که فرض فرمایند؛ در این لایحه طوری همین شده است که در هر ایالتی هر چند بنخواهد بکند بهمان اندازه که سال سابق بوده همان اندازه بهتان اجازه داده می شود مثلاً در فسا اسامیل صدریج تریاک کانت می شده است حالا در این ضمن ده جریب بیست جریب سی جریبش از میان رفته است و لکن در عوض نخواستند در تبریز ده جریب زیادتر ذراع کنند البته وجود این ماده و این ترتیب دولت اجازه نخواهد داد یعنی بطور کلی هر درایعی که یک سال مصرف نبودند از این ذراع و از دهن کاری دیگر اجازه پیش نخواهد داد همین طور در جاهایی که هوا و آبش مفید و مستعد این ذراع است باید اوهم اجازه نخواهد داد. این است که بتدریج باین ترتیب مسئله تریاک بکنی از بین می رود. مثلاً فرض کنید در ایالت فارس قرار گذاشتند هزار جریب باید ذراع تریاک بکنند خوب در ایالت فارس فرض فرمایند اسامیل یک نایبانی نظر بوضع آب و هوای ذراعش از بین رفت دیگر اجازه ندهند سال دیگر آنجا تریاک کاشته شود و ذراع از بین می رود خوب ذراع تریاک که از بین رفت متناهی چه چیز است متناهی این است که تروت عمومی ملک است و رفته است و بکلی صادرات ملکیتی قابل پیدا می کند و از بین می رود. این که آقای وزیر مالیه فرمودند و جلوگیری از قاچاق هم برای مصرف داخله خوب است برای خارجه. بنی برای جلوگیری از انلاف تروت مردم کمتر خواهد کشید ولی در خارجه که باطنیه نیست فرض فرمایند اسامیل قریب ده میلیون تریاک قاچاق برود بیرون این تمام پول است که بملکت برمی گردد این بقیده بنده عابدان است از برای ملکیت و بقیده بنده این شروری برای ملکیت ندارد اگر ضروری

دارد برای دولت از برای تروت عمومی ملکیت تابع است برای اینکه خزانه پناه امری است منزه و شوقه بر تروت عمومی ملکیت اگر یک مثنی تغییر شد و تروتش از دست رفت خزانه آن ملت هم بالطبع خالی می شود و اگر یک مثنی غنی شد قطعاً دولتش هم رونق می شود. هند بطور کلی آقای وزیر مالیه فرمودند مابین دولت و ملت قرفی نیست البته دولت فقط یکن عالمی است. عامل مصالح عمومی ملکیت است و خزانه دولت هم یکی از عوامل مصالح عمومی است (صحیح است) خوب دولت و ملت خزانه را از چه قله نظر پیش اهدیت میدهند؟ از قله نظر تروت و دارایی و ساده ملکیت (صحیح است) والا اگر بنا بر این باشد که صادرات ملکیت از بین برود و تروت عمومی ملکیت بتدریج تحلیل برود و تحدید بشود این البته بقیده بنده اصل غلغلی است و هیچ دولت نباید اهدیت و ترتیب از برای آن بدهد. (صحیح است)

**ولیرمالیه** - آقا بیانی که فرمودند خیلی مختلف بود و زیاد مربوط بمطلب نبود یک قسمت راجع بذغال سنگ بود و یک قسمت هم مربوط ببقا حاصلخیز و حاصلجات جنوب بود و فقط دو قسمتیش بیشتر مربوط بمطلب نبود. یکیش این بود که دولت این کار را می خواهد بکند. می فرمایند که محدودیت صادرات ملکیت و تریب در این فضا را ندارد ولی عرض کردم قد نوسه آنرا هم ندارد (صحیح است) و اجازه هم نخواهد داد در آذربایجان مثلاً با جاسی دیگری که تریاک نمی کاشته اند تریاک بکارند مطلب دولتمن هم این بود که اگر دولت و مأمورین در محلی باشند و بارم تماس داشته باشند بطور می شود با فلان ذراع از شهر با یک بزد باید باید ۵۰ فرسخ نازد و این فرسخ لازم نیست. بنده هم عرض نکردم مأمور جزء در آن قاطع می گذاریم کتم مأمورین مالیه در هر قله هستند پیشکار مالیه است نه بدندار و سر تحصیلدار و مأمور هست از آنها اجازه بگیرند و اینکه تصور می کنید که این اجازه ممکن است اسباب زحمت مردم و محدودیت تریاک می شود این

هیچ این طور نیست برای اینکه این جواز مثل همان اظهارنامه سابق است البته باید بگوید که من این جا را میخواهم بکارم و باید من بعض اجازه بدهد در صورتی که در آن مساحتی که من شده است باشد. اگر توبه بدهد و در آن جاهای که هیچ کاشته نمی شده است بکارم و وسعت بگیرد کار این دیگر نمی شود و همان طوری که آقای نظامی هم بیان فرمودند این به آنها مستثنی برای جاوگیری از مصرف تریاک در داخله و فروش در داخله و فلان می شود املا برای خود صادرات مملکت هم بهتر است این توبه زیاد ما باید خیلی خوشوقت باشیم همین اندازه محصولی که حالا داریم که بتواند آنرا در خارج بطور مسخر فروش برساند و عایداتش بملکت برگردد اگر یک سال مثل امسال یا پارسال که می گویند محصول زیاد بود و زیاد حاصل آمده زیاد بشود این موجب بقاء بحرانی خواهد شد برای فروشش چنانچه همین چهران کوفی بحرانی اقتصادی است که در اکثر مسائل دنیا هست پیشترش یعنی عسده سببش همان زیادی محصول است و از آن فراوانی آن نشی شده است یعنی پیشتر از آنچه لازم بوده است عمل آوردند پس در این قسمتش هیچ اشکالی نخواهد بود و هر طور مقرراتی که لازم باشد وزارت ماله اتخاذ خواهد کرد و در نظر خواهد گرفت که یک مأموری البته بتواند این کار را بکند و نیاز در اولی میوه ندهد و بگوید نیندم. در وقت ماله وقتی که مباحث از معین می کند البته هر کسی می تواند بکارم و اولین تعهد بدارد که در آن دهش با قضا یا بلو کش هست اخبار بدهد که من میخواهم چیزی بکارم و او هم هیچ نمی تواند مانع بشود و جواز بدهد ولی در ولایاتی که تریاک کاری سابق نداشته و تریاک نمی کشند دولت اجازه نمی دهد و نباید که این کار را تشویق کند برای این که همین اندازه که فعلاً در افغانستان و برجرم و یزد می کارند همین را بتواند بصرف فروش برساند کافی است. اما شما بگویید بستان این است که مصرف داخلی هم کم تر کم می شود (صحیح است) حالا فرض کنیم که از فردا

تکری را که شما می کنید یعنی تصور می کنید که بتوانید از این قانون آن منظور را که دارید دست یابید این بکلی غیر ممکن است اینها بکلی می باشد و از بین رفتن و باطل شده اند نظری که حضرت عالی دارید همه ماها داریم البته ما هم موافقیم که تریاک با اندازه که فعلاً ذرات می شود زیادتر از این نشود و اگر هم نتوانستند در آن ذرات را بپوش بپوش محصول کم و بیشتر می بود و بجای آن یک ذرات ناقص تر و بیشتر بدست مردم بدهیم البته همه ماها باین فکر موافقیم و هیچکس مخالف باین نظری نیست ولی این راهی که شما می خواهید تعجب کنید از این راه به مقصود نمی شود رسید. الا آن تریاک در دست شهابت دولت تهیه میکند و دولت مصرف داخلی را باندول می کند و مصرف خارجه را اصل می کند دولت خوب آقا وقتی که بکمال نظری این طریقی است که یک مال التجاره که مصرفش کم شد البته این را کمتر می کارند و ذراع از آن صرفظ می کند الا آن گندم و جو را از همه ذراعیین سؤال کنید که چون گندم و جو در مملکت بحد وفور رسیده است الا آن مردم شروع کرده اند بجای گندم و جو دیگر می کارند الا آن از این اطراف صحران سؤال کنید پرسید مردم کم تر شروع کرده اند ذراتشان را تقلیل دادند و باقیش چیز دیگر می بکارند. بنیاده جمعی باین نظر دیگر هم با حضرت عالی ممکن است موافقت کرد که این کار را بکنید شما اجازه داده شود در جاهای هم که تریاک کاری نبوده است از سابق آن جاهارا موافقت فتن کنید و جاوگیری کنید و اگر هم کسی این کار را کرد ذراعش را هم بزیاد و اعلان کنید در جاهای که سابقه نداشته است باید تریاک بکارند ولی در جاهای که سابقه دارد و تریاک می کشند نباید بکارند و توبه کند و بنده عرض می کنم که این را شما تقصیر کنید فرستادید از برای یک مقدار تریاک که از حد لزوم زیادتر تهیه شده است آنها را نخرند و این را تقصیر کنید بهیچ وجه همت و ذراعی دراز من ده هزار من تریاک در شیراز تهیه می شود شما نگاه کنید

می بیند که اینها هزار من زیادتر تهیه کرده اند این هزار من زیادی را تقصیر کنید بلکه یک سیر دارد آنکه یک من دارد و آنکه صد من دارد تا اینکه باید و مجبور کنید که بایند و اظهارنامه بدهند و قضا بکنند و بد اجازه بدهند ذراع تریاک کنند بنده قطع نظر از اینکه ذرات تریاک از این می رود عرض می کنم قطع این سبب می شود که شما اقدام کرده اید برای اینکه بنده مردم بدبخت را از این ببرد و البته از این هم می روند مردم بفرمایند یک کسی ۶۶۰ قطنه تصرف داشته ۱۸۰ تکه کاشته و همینطور که یکی از آقایان اظهار کردند یک کوهی است که یک چشمه آبی دارد پنج من هم زمین ذراعش است که در آنجا پنج سیر تریاک می کارند این سبب می شود که اینها نمی توانند بکارند و بکلی از بین می روند بنده در ماده اول میخواستم عرض کنم که این یکی غلط است و بیک فکر دیگری باید برایش بکنید دیگر عرضی ندارم

ولیس - آقای رئیس التجار

پهلوی - بنده باینکه تصور میکنم با اطلاعات بی نظری که آقایان وزراء در این قسمت دارند و همچنین اطلاعات مهمی که آقایان نمایندگان محترم از محل دارند نمیتوانم چطور می شود که بعضی از قوانین که به مجلس می آید این طور محل اختلاف می شود در قسمت ماده اول بنده می بینم گفته می شود برون اجازه بکارند در ماده اول بنده همچو چیزی نمی بینم می نویسد بکلی ایالات و ولایاتی که تاکنون ذرات تریاک داشته اند بمساحتی که در هرسال بماده اول از شروع بزرگ تریاک از طرف دولت می خواهد شد اجازه ذراع داده می شود. بنده در این ماده در ذراع که شما چون مین نگریدید که در اول این ماده ده جفد باید بکاری حق در خواست بناری علی ای حال بنده عقیده ام است که باید اجازه را بخواهند مثل اینکه بیشتر هم همین کار می کردند تنها اینها فلان وزارت ماله این است که پیش از این ولایاتی اجازه دادند اگر با باشد دولت بپنی مأمورین ماله قولا مین

کنند بکلی زارعی و مالکین از بین خواهند رفت اگر این ترتیب درست شود و واضح شود چنانچه پیشنهاد هم مقدم کرده اند بجز است.

ولگیس - پیشنهاد هابرات میشود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

بطایع منبع ریاست دامت شوکه - پیشنهاد می شود بد آن خبر ماده اول اضافه شود مساحت مزبور کمتر از مساحت مزبور است ذرات آن ابلات و ولایات نخواهد بود.

پیشنهاد آقای ولید احمدی

بطایع منبع ریاست دامت عظامه - پیشنهاد می شود ماده اول حذف شود.

پیشنهاد آقای ملک مدنی

ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد مینماید:

بکلیه ابلات و ولایات که تاکنون ذرع نریاک داشته اند همان مقداری که سواست گذشته ذرع نریاک داشته اند اجازه ذرع داده می شود.

پیشنهاد آقای امیر نبیو

ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکند:

ماده اول - بکلیه ابلات و ولایات که تاکنون ذرات نریاک داشته اند بسانتجه کمتر از ذرع فعلی نماندند هر سال سه مایل قبل از شروع ذرع نریاک از طرف ذرع اجازه ذرع داده خواهد شد.

پیشنهاد آقای دکتر احتشام

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بند پیشنهاد میکند ماده اول این طور تنظیم شود.

در کلیه ابلات و ولایاتی که تاکنون ذرات نریاک داشته اند همه ساله سه مایل قبل از شروع ذرع نریاک بوساحتی که در حدود مساحت سه سال اخیر قبل از تصویب این قانون است از طرف هیئت دولت زمین و اجازه ذرع داده خواهد شد.

پیشنهاد آقای مهدوی

بند پیشنهاد میکند ماده اول این قسم نوشته شود: در کلیه ابلات و ولایاتی که تاکنون ذرات نریاک داشته اند در هر سال سه مایل قبل از شروع باید از طرف زارعین

بمالکین در خواست کنونی از نزدیکترین مأمور ولایت شود مساحت آنرا همین حدود تحصیل اجازه نمایند. پیشنهاد آقای نوری

بند پیشنهاد میکند ماده اول بطریق ذیل نوشته شود ماده اول - از اول اسفند ۱۳۱۱ ذرات نریاک منحصراً در ابلات و ولایاتی که تا این تاریخ موصول بوده است و به زبانی که تاکنون بیکشته اند بپول می آید.

مالکین بازار عین در ظرف سه ماه اول سال تقاضای اجاره بپول بپردازند خود با دارالت مالیه عمل تسلیم خواهند نمود و ادارات مزبور مکلفند با رعایت مقررات فوق و قبل از شروع ذرع نریاک جواز ذرات صادر و به تقاضا کنندگان بدهند.

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکند ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود: ماده اول - بکلیه زارعین مملکت که تاکنون ذرات نریاک داشته اند بوساحتی که در هر سال موصول ذرات بوده اند از طرف هیئت دولت اجازه ذرع داده خواهد شد و سایر افراد بدون اجازه هیئت دولت از ذرع نریاک شروع نخواهند بود.

ولگیس - ماده دوم قرائت میشود.

ماده دوم - بر شخصی که بخواهد ذرع قلمبه که کمتر از یک جریب هزار ذرعی باشد ذرع نریاک نماید اجازه داده میشود مگر اینکه چند نفر در قطعات متعلقه واقف در یک هجرت که مساحت مجموع آن کمتر از یک جریب نباشد اظهار نامه ذرع نریاک بدهند در اینصورت اجازه داده میشود ولی صدور اجازه برای یک قلمبه باقیلغات متعلقه که کمتر از یک جریب باشد همچنین صدور اجازه برای ذرع نریاک در غنایا بکلی ممنوع است.

ولگیس - آقای طاهری.

دکتر طاهری - بنده با صدیق باینکه تقدیم این لایحه از روی حسن نیت است و برای این است که از یک اقداماتی که راجع بقاضای نریاک میشود جلوگیری کنند

و البته يك سهولت بیشتری هم نسبت به قانون سابق منظور شده است معذالک نسبت بماده اولی که راجع به تحصیل جواز است نظر موافقی ندارم چون ماده اولی که راجع بکلیات بود گذشت در آن خصوص عرض نمیکند لیکن راجع بماده دوم که راجع ب اجازه است در نفس در آنجا هست یکی اینکه اصلاً دادن اجازه را که یکی اجازه بدهند در این ماده نوشته اند فقط نوشته است یکسکه از یک جریب کمتر داشته باشد اجازه داده میشود تحصیل جواز را در این ماده نوشته ولی دیگر نوشته شده است سکه مامورین هم موظف هستند که بقاضای زارعین جواب بدهند و تقاضایان را انجام بدهند و ایضا امیر نبیو گفته است و گویند هم هیچ توجیهی نکرده است که اشخاصی که حق اجازه دارند منظور باید تحصیل اجازه بکنند و ثانیاً راجع باصل موضوع که مفاد ماده دو است به نظر بنده منطقی ندارد که ما بخواهیم این ماده را تصویب کنیم که اگر کسی چند ذرع زمین کشت میکند آنرا کمتر از قلمان مقدار باشد حق نداشته باشد این بهر چه موجب و دلیل منطقی ندارد ب علاوه موجب زحمت و اختلاف نظر بازار عین است یک ماموری با وقتش میرود میگوید این زمین پشاید ذرع است یا بیشتر است آنوقت ذرع یکی میگوید کم است یکی میگوید زیاد است ب علاوه تمام این بیانتات و مذاکرات موجب سهولت زراع و خسارت و صرف وقت دولت می شود در صورتیکه هیچ نتیجه ای در برابرش تصور نمیشود بکنده است قوانینی که وضع میشود نوالک اخلاقی دارد فوائد مالی دارد هر اجرائی قانونی هم منتهی ب یک زحماتی میشود میگویند خوب در مقابل اینکه قلمان فایده بدوکت میرسد با قلمان نتیجه به ملت میرسد باید این زحمت را مردم تحصیل کنند ولی بعضی چیزها است که مثل تقاضای میماند که در موقع اجرای عمل هم ایجاد زحمت میکند و مخصوصاً ایجاد زحمت فوق العاده میکند در موقع اخذ نتیجه هر یک فایده همی

ندارد در ضمن جمله ماده اول که بنده عرض می کنم در آنجا نکرده و حالا مخصوصاً بماده دوم راجع بمقدار مساحت ذرات نریاک به اینکه در امرانی که کمتر از یک جریب باشد اجازه بدهند و همچنین در خانه ها هم اجازه بدهند مخصوصاً اینکه در دهات يك پانجاه هالی هست در چلو منزلت هم ضرر دارد که در این پانجاه ها ذرات بکنند و راپرت هم بدوکت بدهند مقصود این است سکه این ذرات بعدی که مینماید است بود و دولت هم استفاده که باید از این ببرد حالا اینکه بگویند در قلمان زمین ذرع میکنند این سه به نظر زراع است که هر کیزار زمین بهتر و مفید تر است ذرات میکنند چه ضرر دارد که اجازه داشته باشند و حق داشته باشند ذرات کنند این است که بنظر بنده گذشته از اینکه کلیتاً تحصیل اجازه اسباب زحمت میشود برای زارعین و دولت مامورین و با آن حسن نیتی که حضرت آقای وزیر مالیه در تقدیم این لایحه که خیلی مهم هست برای تخفیف زحمت مردم دارند بنده می رود در این لایحه هست که ایجاد زحمت میکند و فایده همی هم ندارد بیکش همین ماده دوم است که ترتیب اجازه را درش نوشته است ولی نوشته است که مامور مکلف به باشد نوری اجازه بدهد و از آنطرف قسمت تقاضای را که حق ندارد ذرات بکنند انهم بطور کلی لزومی ندارد نوشته شود بلکه بهتر هست ولگیس عالیله - عرض کنم مذاکرانی که قلمان هم شده جواب هالی داده شد در اینجا هم آقای دکتر طاهری بیاناتی فرمودند آقایان دیگر هم در ماده اول نظریاتی فرمودند که رو بمرتبه میزان مطالب بدست آمده است در این جا چهار مطلب است یکی اینکه در قلمان ابلات و ولایات را مساحتش را تعیین کنند آنرا بیاحت قلمان اندازه قلمان ولایت نماندند قلمان جا کمتر یا بیشتر یکی اینکه هر آدمی که نریاک میکند برای همان مقدار هم می کارد اظهار نامه بدهد که در آنوقت دولت هم



مفید باشد که اجازه را بدهد که در ماده سوم خواهد آمد مطلب سوم اینست که از يك جريب كتر باشد حق بدانشه باشد بلكه بدین از آقایان آملوری که صورت کردم در این باب نظر موافقت ندارند و ملاحظاتی در حق دارند چهارم این است که در خانه ما کاشته نبود و بنظر بنده در مسئله تقیض مساحت اینها و ولایات هیچ ضرری نیست مقصود این است يك چایی زراعت و کشت و کار تریاک نبوده بدوخواهیم اجازه داده شود سوم این بود که يك جريب كتر کاشته نشود و راجع باین که در خانه ما نکارند در این قسمت ما بنده تصور میکنم آقایان اگر بیسکندری نامد برمایند موافقت میفرمایند و موافقت حاصل خواهد شد و انضام حاصل خواهد شد برای اینکه خانه مسکونی شخصی که چهار دیوار دارد و اینها عیالی نخواهد شد و مسئله اجازه را که بنده تصور میکنم که غیر ممکن نیست که يك موافقی در حق تسهیل کرد و يك تریبی کرد که آقایان موافقت داشته باشند و راجع بمسئله جريب هم که میفرمایند هر کسی در اینجا ممکن است يك قطور مساحت کند بنابراین بنده اصلا به خواستم نمنا کنم که آقایان هر نوع مطالبی ندارند پیشنهاد میفرمایند و تصور میفرمایند که فرمایند ایشان را کرده اند بنابراین بهتر این است که پیشنهاد شود و بیاید کمیسیون و در آنجا کاملاً مطالبه میکنند و آقایان هم تشريف دارند و با نظر آقایان حل خواهد شد و ما هم تقوا داشت که میزان نظریات آقایان در دست ما آمده و بروم در آنجا و مذاکره کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

افسر - کافی نیست

رئیس - چرا

افسر - البته اگر ما احتمال بدهیم که ماده حذف میشود هیچ عرض نمیکند ولیکن اوله همه اش را نگفته ایم و بیایست تمام اوله گفته شود و مقصود ما این است

که کمیسیون را آگاه کرده باشیم و آقای وزیر مالیه هم آگاه هستند که باید باین ماده حذف شود و با اصلاح شود در ماده قبل راجع باصلاحی خیلی مذاکره شد و در این ماده مذاکره شد اگر اجازه بفرمایند بنده دلالی عرض کنم که ذهن آقایان روشن شود و الا بنده است بنظر آقایان.

بعضی از نمایندگان - بفرمایند آقای

رئیس - اگر مجلس تجویز میسکند نوبت آقای مهوری است.

مهوری - بنده عرض ندارم

رئیس - بعد بده چنانچه است بفرمایند. آقای افسر افسر - البته این پیشنهاد را کسانی که نوشته اند مقصودی داشته اند و يك مصالحی بنظرشان رسیده است که از مد نظر نظامی که در امور هست بهتر خواهد شد و اشکالی که هست این است که ما باید بهینیم که این مقصود را برساند یا نه اگر این سبب میشد که کتر کاشته شود مثل ماده واحد باید يك چیزی ولی این ماده اینطور نیست بالاخره تریاک کاشته میشود الا اینکه با يك قاعده مخصوصی یعنی مالکین کل میکارند و این فراموش نشود چهل و پنجاهار ده در دفاتر جزو کل مالیه بیشتر نیست آنوقت از این چهل و پنجاهار ده متنا پنجاهار تن مالک کل داشته باشد و الا بقیه دهات اینطور نیست در طهران که البته مالکین هستند که ده تا دارند در مشهد و تبریز هم همینطور ولی در خیل جاها اینطور نیست خورده مالک است مثلا در سبزوار و آذربایجان يك ده نیست که يك مالک داشته باشد یعنی يك ده در دست هیچکس ندارد بیه ده در دست هم کسی ندارد و خوبی از شهرهای دیگر همینطور است آنوقت قطور میشود بالاخره زمین متصل بیکدیگر میشود بالاخره يك مالک میتواند پنج جريب ده جريب بیست جريب سی جريب بکاره ولی مالکین جزو قطور میتوانند این کار را بکنند علاوه بر اینکه ملاحظه فرموده ایم

که تریاک را در جاهای در بسته میکارند که نزدیک ده باشد که بساز دبش کنند و بالاخره شاید هر دهی که رجوع کنید يك مالکین جزء دارد و يك قطعات کوچک کوچکی است چنانکه عرض کردم پس در اشکال در اینجا موجود است یکی اینکه زمینها را که تا کنون تقسیم شده با بعنوان جريب تقسیم شده و با بعنوان قنبر و اینها تشخیص کار آسانی نیست و اختلاف زیادی دارد مثلاً در سبزوار هزارو شصت ذرع در مشهد ۳۶۰۰ ذرع در سمنان ۸۰۰ ذرع در دریز هصدو چند ذرع در کرمان ۶۶۰ ذرع است بالاخره اینقدر مختلف است که روزهای اول هم که این تقسیمات را کردند با میزان معینی نداشته است بنا بر این یکی بیشتر دارد یکی کتر دارد این میخواهد امسال تریاک بکاره یارسال نکاشته است یکی دیگر یارسال نکاشته است امسال میخواهد بکاره اینها با یکدیگر نمی توانند توافق نظر پیدا کنند و البته بالطبع از میان میروند اونوقت با این وضعیت زمینها که اغلب ملاحظه میفرمایند اینها متک دارند مربع دارند ضعیف دارند ذرفته دارند بنسبیت بلندی و کوتاهی مار بیج های عجیب و غریب دارند و همه قسم اشکال هندسی دارد حتی مترس دارند بنایند بشما نشان بدهم در هر ولایت که ملاحظه میفرمایند اینها را غیر از مساح و مهندسی کسی نمیتواند معین کند و اینکه ملاحظه می فرمایند در ادارات گفته میشود مثلا ده جريب این تخمین است و هیچ میزان معینی ندارد الا آن در بعضی از ولایات با اینکه یکسال است اداره ثبت برقرار کرده هنوز مهندس ندارند یکسال و نیم است یولی می دهند برای ثبت آنوقت چند مهندس برای اینکه خواهد رفت که این اختلاف را معین کند حقیقه در ولایات جزء اشخاصی هستند که از هر ذرع این زمین ها بر نمایانند خوب مدرسه متوسطه که ندارند مدارس ابتدایی هم

آقدر نیست که بتواند اینها را حل کند و در همین ذرعش بقدری اشکال دارد که در موقع تعدید و اینها هم بیشتر دچار زحمت می شوند مخصوصاً در قسمت اشکال این زمین ها اشکالات زیادی فراهم میشود و ما بهین وجه هر قدر فکر کردیم که این را قطور درست کنیم که از دست زارعین خارج نشود و بسات مالکین و ارباب ها بیفتد مقصود من این نیست که ارباب ها خوب نبینند خبر همه خوبند ولی بالاخره چسرا باید تمییز شود که بکلیفیه بکارند و يك جماعتی که تمام زندگی ایشان بسته بان است نکارند ما حذف این ماده را حذف کنند و رفا پیشنهاد کردیم که لطفاً این ماده را حذف کنند و يك فکر دیگری برای اینکه بکنند بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد ها فراتر میشود.

پیشنهاد کرده از آقایان نمایندگان

امضاء کنندگان پیشنهاد میکنند ماده دوم حذف شود. امیر تیمور - مسعودانی - دکتر نیایی - حاج علی اکبر امین - حسن علوی - مستندی - بوشهری - محسن قرا گزوار - یونس آقا و هجاب زاده - مؤید احمدی - دکتر احتشام - طهرانی - ایزدی - ملک مخفی - محیط اعتبار - لاریجانی - لیقوانی

پیشنهاد آقای طباطبائی دیا

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید ماده دوم حذف شود.

پیشنهاد آقای شریفی

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده دو بکلی حذف و فقط نوشته شود. ذرع تریاک در خانه ها منع است.

پیشنهاد آقای مهوری

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود و حاضر میبوم در کمیسیون و مدافعه میکنم.



## پیشنهاد آقای دهستانی

بهره ذیل را پیشنهاد میکنم: ماده دوم اضافه شود.  
بهره - به خورده مالکین که اراضی قابل زرع تریاک آنها اساساً کمتر از یک جریب بوده بمقدار یک مموولاً زراعت نموده اند اجازه داده خواهد شد.

## پیشنهاد آقای اسمعیل خان قشقایی

بنده پیشنهاد مینماید که ماده دو حذف شود.

## پیشنهاد آقای طاهری

مقام منبع ریاست دامت شوکت. پیشنهاد میشود ماده دوم حذف شود.

## پیشنهاد آقای دهستانی

نقل باینکه در ماده دو قسمت قطعات متصله واقعه در یک محل تولید اشکال کرده و غیر عملی خواهد بود لذا پیشنهاد میکنم جمله در قطعات متصله واقعه حذف شود و بجای آن نوشته شود در یک محل الی آخر.

## پیشنهاد آقای حاج محمد رضا

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی. عرض میشود بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم تاریخ جریب اجازه بزرگان بدهند.

## رقیسی - ماده سوم فراتت میشود.

ماده ۳ - هرگاه قبل از برداشت محصول کشف شود کسی بدون تحصیل اجازه از مأمورین که از طرف وزارت مالیه (مؤسسه انحصار دولتی تریاک) معین شده باشد مبادرت بزرع تریاک نموده آن زراعت مدموم و اگر زراعت مزبور در موقع برداشت محصول کشف شود تریاک حاصله بسلامت ضبط خواهد شد و چنانچه بعد از برداشت محصول قنیه کشف و ثابت شود که از بین برده یا مرتکب همان معامله خواهد شد که بامر تکبیر قاجاق تریاک میشود و در صورت باین نوع اشخاص دیگر اجازه زرع تریاک داده نمیشود.

## رقیسی - آقای روحی.

روحی - عرض ندارم  
رقیسی - آقای ملک

ملک مصلی - این ماده ۳ همان ماده است که بنده در کلیات عرض کردم که زرع تریاک را منع میکنند که باید هر زارعی برود از اداره انحصار اجازه بگیرد به عقیده بنده همانطور که مذاکره شده باید ماده دو و ماده سه این لایحه حذف شود و هیچ احتیاج ندارد که ما زارع را مکلف کنیم بیاید اجازه بگیرد و آن وقت هر قطعه را که وزارت مالیه صلاح دید سابقه زرع تریاک داشت باز اجازه میدهد و بطور کلی در آن ولایاتی که زرع تریاک میکردند اجازه داده میشود پس محتاج نیست باینکه این ماده ۳ را بیابیم بنویسیم که اگر یک زارع آمد و بدون اجازه رفت زرع تریاک کرد زراعتش را باید مدموم کرد و برای خود او مهیابند یک مجازاتی قائل شد بنده پیشنهاد کردم ماده ۲ حذف شود و عقیده ام این است که این ماده هم باید حذف شود همانطور که آقایان پیشنهاد کردند که ماده دو حذف شود و در سایر مواضع دیگر اشرافی نیست این ها یک مواردی است که ما تجربه کردیم برای اینکه نماند با طبقات زارع و مردم دارند و این ها را دچار زحمت می کند خود آقای وزیر مالیه هم گمان می کنند که با این نظر موافق باشند و بنده خود هم حاضر در موقع شور بیام در کبیرون و بقیه عراقین را در آنجا بکنم

## رقیسی - آقای طاهری موافقتند

## طاهری - غیر

## رقیسی - آقای روحی

روحی - بنده عقیده ام این است که این لایحه را آقای وزیر مالیه بمانش را بردارند بیرد بجهت اینکه ماده اولش را که آقای مؤید احدی و آقای دکتر طاهری پیشنهاد حذف دادند ماده دومش را هم سابقاً آقایان ماده سوم را هم که آقای ملک پیشنهاد حذف دادند باید سه چهارم

و پنجش و را هم یک آقای دیگر پیشنهاد حذف میکنند (الف) رای آزادست آقا ماسی ندارد) بالاخره در این ماده آقایان میدانند دولت باید بداند که در کجا تریاک زرع میشود در مقامی که ممنوع است جلوگیری کنند بکار رفتی شده است و آن این است که نموده نقض شده است سابقاً می آمدند زارع را می آوردند و نموده می گرفتند و می گفتند تو باید نموده کنی که چقدر تریاک بگیری و بهمان تناسب تو کشت میکرد و این باعث یک ظلمی برای زارعین و مالکین میشد در اینجا باید از دولت تشکر کرد که این نموده را که جایش در همین ماده بوده است از بین برده است و اگر بنایند اظهارنامه هم داده نموده دولت می دانند اصلاً در کجا تریاک زراعت میشود این خیلی لازم است و بقیه بنده نهایت ضرورت را دارد باید دولت بدانند قطعی که زراعت تریاک میشود کجاست؟ شاید پس فرما آمدند در آذربایجان یا در ساحل بحر خزر یا در جاهای دیگر که سابقه تریاک کاری بپیوجوه نیست میخواهد برود اجازه بگیرد پس این میخواهد یک عملی بر خلاف دولت بکنند و بنده اظهار نامه را نهایت ضرورت دوش می بینم

## رقیسی - آقای دهستی

دهستی - در اینجا بیاعتبار ماده است که هر گاه قبل از برداشت محصول کشف شود کسی بدون تحصیل اجازه از مأمورین سکه از طرف وزارت مالیه معین شده باشند مبادرت بزرع تریاک نموده آن زراعت مدموم و اگر زراعت مزبور در موقع برداشت محصول کشف شود تریاک حاصله بسلامت ضبط خواهد شد بنده خیال میکنم اگر یک ازهری از طرف مرحوم چنگیزخان داده میشد چه از این بود که مجلس شورای ملی همچو قانونی را بگذراند شما امروز یک قانونی را وضع میکنید ملکت شما هم امروز اکثریت جمعیت آن می خواهد سهند خوب یک زارع بدبختی چند ماه وقت است زحمت کعبیده است و یک زراعت کرده است

## رقیسی - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بنده اجازه میخواهم یک لایحه دارم در وسط بحث همین لایحه قدیم کم یک کار خیلی جزئی است و تقاضای تصویب آن را با خود فرود بردارم آنهم راجع با اجازه تصویبی است که مجلس کرده است در اجازات اشخاصی که نظیم دو دستگاه دلچیان بگیرد می خواهد اشخاصی را که خاطر آقایان باشد. حالا دلچیان نفعه است اگر اختراع توپبیل بگیرند عبارت قانون مانع است این است که تقدیم شده است.

## رقیسی - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بنده چهار مطلب است که در سه نای آن می شود مباحث کرد و تسلیات فراهم کرد و آنهم در کبیرون بایشی مباحث کرد و باین جهت بنده عرض نکردم برای اینکه البته بنده هم مواظفم که کاملاً در مقابل شور شود اما راجع بپستله اجازه که می فرمایند در هر مرتبه بنده این را لازم میدانم ولی در بابی دیگرش حرفی ندارم که بیرون در کبیرون و چنانچه آقایان میل داشته باشند در کبیرون مذاکره میکنم و حل می شود. جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

## پیشنهاد آقای لاریجانی

تصره ذیل را بنده سه پیشنهاد می نمایم:

بهره - بمحمول تریاک - آلتیه که زرع و کشت آن در مداخلت شده متحول این ماده خواهد بود.

پیشنهاد آقای امیر تیمور و ملک مدنی

امتا کنندگان پیشنهاد میکنم ماده ۳ حذف شود.

۳ - تقدیم دولته لایحه و طرف آقایان وزیر داخله و وزیر مالیه

رقیسی - آقای وزیر داخله لایحه داشتند

وزیر داخله - یک فقره لایحه قانونی تذکره است که تهیه شده و تقدیم می شود.

رقیسی - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بنده اجازه میخواهم یک لایحه دارم در وسط بحث همین لایحه قدیم کم یک کار خیلی جزئی است و تقاضای تصویب آن را با خود فرود بردارم آنهم راجع با اجازه تصویبی است که مجلس کرده است در اجازات اشخاصی که نظیم دو دستگاه دلچیان بگیرد می خواهد اشخاصی را که خاطر آقایان باشد. حالا دلچیان نفعه است اگر اختراع توپبیل بگیرند عبارت قانون مانع است این است که تقدیم شده است.

۴- بلیه شور لایحه اصلاح قانون انحصار زراعت ماده ۴  
 رئیس - ماده چهارقرائت میشود.

ماده ۴ - وزارت مالیه مکلف است صورت تقسیم مساحت مقرر در ماده یک را تا آخر امرداد هر سه بوسیله ادارات انحصار زراعت ایالات و ولایات اطلاع عامه برساند.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - این ماده برای وزارت مالیه مهین شده است که صورت مساحت را در ایالات و ولایات دهر سه دست کند و اطلاع بدهند ولی این تکلیفی هم وزارت مالیه دارد و آن این است که هر کسی که اجازه خواست دولت هم مکلف است که باو اجازه بدهد این پیش بینی نشده و بقیه بده لازم است ممکن است بعضی اشخاص بیاورد اجازه بخواهند مطابق صورت و مأمورین انحصار قبول نکنند این را بده عقیدم این است یک نیرمانه شده و در ذیل ماده علاوه شود که وزارت مالیه مکلف است که هر کسی که بخواهد آن صورت اجازه خواست اجازه بدهد.

رئیس - آقای طاهری

طاهری - بخدمت عرضی که در این ماده دانستم که چه همان طور که خود آقای وزیر مالیه فرمودند این چهار ماده که راجع بپاجازه است مربوط بهم است و یک تکلیبی باید زدند برایش مین شود ولی برای این که مطابق تالک نمایند و اعضای کمیسیون قوانین مالیه شوچه باشند این است که نه در ماده اول نه در ماده دوم مین نکرده است دولت که آن مساحتی را که قبلاً اعلام میکند چه اندازه خواهد بود ممکن است که فرستادگر در پرد هو هزار جریب زمین زراعت زراعت می شود بلیه یکمتر به هزار ذرع را اجازه بدهد زیرا که نه در ماده اول نوشته است و نه در دین ماده ماده اول این است که بگوید بکلیه ایالات و ولایات که تاکنون ذراعت زراعت داشته باشند بمساحت که دهر سال سه سال قبل از شروع بزرع زراعت از طرف مین دولت مین خواهد شد اجازه ذرع داده می شود اما مساحت که مین نماند مساحت است نصف کند نمک کند در این ماده هم که

می گوید (وزارت مالیه مکلف است صورت تقسیم مساحت مقرر در ماده یک را تا آخر امرداد هر سه بوسیله ادارات انحصار زراعت ایالات و ولایات اطلاع عامه برساند) باید مین شود که این مساحت در چه حدودی خواهد بود این بود که بده دهماده اول پیشنهاد کردم در این ماده هم پیشنهاد خواهم کرد که این مساحتی را که دولت اطلاع عامه می رساند کمتر از مساحت فعلی نخواهد بود یعنی کمتر از مساحتی که فعلاً ذراعت زراعت در این قطا می نمود نخواهد بود و مطابق بقرین سنوانی که زراعت ذراعت شده اجازه بدهند و مساحت را مین کنند.

رئیس - پیشنهادت مربوطه بپادشاهم فرمائید میشود؛

پیشنهاد آقای طباطبائی دربار

بده پیشنهاد میکنم به آخر ماده چهار علاوه شود و همچنین مکلف است هر کسی که مطابق این قانون به موجب اظهارنامه اجازه خواست اجازه بدهند.

پیشنهاد آقای قهیبی:

بده پیشنهاد میکنم که ماده چهار بطریق ذیل نوشته شود: ماده چهار - وزارت مالیه باید مراقبت نماید جوازهای ذراعت های مذکوره دهماده اول منتهی تا آخر امرداد هر سه از طرف ادارات مربوطه صادر و بنامش کندگان داده شود.

پیشنهاد آقای امیر تیمور کلایلی:

بده پیشنهاد میکنم ماده چهار بطریق ذیل نوشته شود: ماده چهار - وزارت مالیه مکلف است اجازه ذراعت های ذرع زراعت را برای کلیه ایالات و ولایات مقرر در ماده یک تا آخر امرداد هر سه صادر و بوسیله اداره انحصار اطلاع عامه اعلانی برساند.

پیشنهاد آقای دکتر احتشام:

بده ماده چهار را اینطور پیشنهاد میکنم: وزارت مالیه مکلف است صورت مساحت مقرر در ماده یک را در حدود مساحتی که در سال اخیر قبل از تصویب این قانون ذرع شده تا آخر امرداد بوسیله اداره انحصار زراعت ایالات و ولایات اطلاع عامه برساند.

رئیس - ماده پنجم فرمائید میشود؛

ماده ۵ - انراع زراعت قاجاق اعم از خالص و مخلوط مشمول کلیه مقررات مربوط به زراعت قاجاق بوده و جزای آن همان جزای است که برای قاجاق جنس خالص مقرر است.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - آقای وزیر مالیه در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که این لایحه حقیقتاً برای اوراق بمرم است بده میخوام توضیح بدهند که نسبت باین مورد در قانون سابق بنی قانون سابق شامل این مورد بوده است یا نبوده است و میخواند یک مجازات تازه برای قاجاق زراعت مین کند؟ این را اگر توضیح بدهند بقیه بده لازم بود.

وزیر مالیه - البته قانون سابق شامل این هست و این یک توضیحی است چون گاهی اتفاق می افتد اشتباهاتی پیش می آید. این قانون مؤید قانون سابق است که تمام جزئیات روشن شود و قانوناً مقرر شود.

رئیس - ماده ۶ فرمائید میشود؛

ماده ۶ - زراعت دارای باندول دوباره چسب در حکم زراعت قاجاق بوده و جزای آن مثل زراعت قاجاق بدون باندول است.

رئیس - آقای افسر

افسر - اگر چه این اصطلاح قبی است و خود اجزاء تجدید می فهمند ولی خوب است عبارت دوباره چسب را اصلاح کند و یا شرح بدهند که مقصود باندولی است که از جانی کده باشند و به زراعت دیگری زده باشند. یک عبارت بهتر دستور بگیرند بهتر از این است که بویسم باندول دوباره چسب برای این که در خارج هم معلوم شود مقصود چیست حالا فرستاد که در تجدید این عبارت معلوم شد ولی مقصود ما این است که در قانون یک عبارت باشد که طرفین فهمند.

وزیر مالیه - ملاحظه فرمائید در قانون سابق در ماده ۷ قانون سابق این اصطلاح وضع و معلوم شده است باندول دوباره چسب یعنی از یکی افتاده باشد و دیگری چسبیده شود منظور این است که در قانون سابق هم این اصطلاح بوده است و دیگر اینها محتاج

توضیح نیست.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - (خطاب باقی افسر) کافی است؟

افسر - چون آقای وزیر مالیه فرموده کافی است

رئیس - ماده هفتم فرمائید میشود؛

ماده ۷ - اشخاصیکه شیره زراعت خود را مطابق قانون سوم قانون انحصار دولتی زراعت صورتاً ۲۶ تیر ۱۳۰۷م مستقیماً بپایار دولتی بیاورند برای هر مثال پنج شاهی جریمه دریافت خواهد شد.

بصره - دادن تمهیدات شیره زراعت از طرف ذراعت اختیاری است و کیفیت آن در تقاضا ذکر خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احدی

مؤید احمدی - عرض کنم چون یک فتنه واقع شده بود اینجا بخاطر بده افتاد در دعوات کوچک کد بزرگ پولسکی و راجع هستند دولت یعنی اداره انحصار انبارش در مرکز بلوک است و البته نمی تواند در هر دهی یک انباری دست کند اغلب اتفاق افتاده است که شخص متعین تر کسب دانشم کرده است مین هم بوده است که است که زراعت را منطبق کن نگاهدار تا مین بمرم آن ده آن یکی راجع ضبط کم و بیام و بالاخره همه را میفرستد بپایار بده می رسد این ماده آثارها هم میشود کند و بگویند بلیت اینکه مستقیماً بپایار بیاورد یعنی مثالی پنجشاهی بدهی اینکه عرض کردم که منجوب قبیله الا آن اتفاق افتاده است که یکی از بلوکات کرمان در دهی زراعتی را ضبط کرده اند یا حضور متعین متعین وقت است بده دیگر و ده دیگر و بالاخره این زراعت در ده او مانده است و بدینسان قاجاق این زراعت را از او گرفته اند و حالا مشغول رسیدگی هستند باین قبیله اینها مأمورین ممکن است یک زراعتی را دیده باشند که در انبار این شخص بوده است لکن چون هنوز بهرگز بلوک نبرده اند یک مثالی پنجشاهی از او جریمه بخواهند پس عبارت این را باید یک طوری نوشت که دیگر بدون اجازه آنجا باشد و الا این فقط مستقیماً که تا زراعت را برداشت مستقیماً بپایار این اسباب اشکال خواهد شد.

**وزیر مالیه** - ممکن است همچو مسائلی پیش آمده باشد ولی نمی‌دانم چه عبارتی باید نوشته شود اداره انحصار هر جا را خواهد انبار کرد می‌تواند خانه مستقیمی ببرد یا بناز می‌تواند انبار قرار بدهد یا از باید مهرکند و برود جای دیگر حالا اگر سه تایی در اجراء باشد که مقش هم خودش بگوید که این جا نگاه دار و هم خودش بد برود آن را بتوان قاچاقی از او بگیرد البته این مجازات دارد و همانطور که فرمودید باید رسیدگی شود و البته رسیدگی هم می‌شود و الا عاذاً ممکن نیست يك نامرد صبحی خودش بگوید نگاه دار بد باید بگوید قاچاق کرده‌اید و از او جریمه بخواهد بگیرد. مدته انبار هم نمود یکم که همه آقایان موافق باشند که این یکی از کارهای اساسی خود انحصار است یعنی هم جلوگیری از قاچاق و هم عدم احتیاج به جلوگیری از قاچاق همه فرغ بر این است که تریاک را با نامن قوی وارد انبار کند حالا اگر مقصد داشته باشید باید يك عبارتی که این مقصود را مضبوط کند پیشنهاد فرمایند بنده حرفی ندارم ولی بنده گمان می‌کند که موارد سوء اجراء را باید گذاشت که بقضات موقوف اوشکایت کنند و رسیدگی شود و البته اگر مأمورین خلافی کند مجازات می‌شوند.

**ولیس** - آقای احتیاج.

**احتیاج** - بنده هم مضبوط که آقای وزیر مالیه فرمودند البته موافق هستم که تریاک را بناز بریند ولی این جا يك عبارتی هست که اگر مستقیماً بناز دولتی نیاورند برای هرقتالی بنشاهی جریمه از آنها دریافت خواهد شد. بنده نماندم مستقیماً یعنی چه؟ در قانون سابق می‌توسید (ساحبان شیره احم از ریت و مالک اسکندانه که کلک شیره تریاکهای خود را با بنازهای که وزارت مالیه در دسترس آنها نه بوده است و وزن نموده و تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند) این صبح است وزارت مالیه يك انبارهای را که در دسترس آنها باشد باید تهیه و تعیین کند آتوق مستقیم و غیر مستقیم چه شکل می‌شود؟ این را فرمایند که بد سوء استفاده از این کلمه نشود.

مزبور قابل استنباط و تمیز نیست لیکن شخص توفیق شده می‌تواند مطابق ماده ۹ این قانون به محکمه عدلیه مراجعه کند. حکام و مأمورین نظامیه و امنیه مکلف می‌باشند که بقضای مؤسسه انحصار تریاک تریاکهای مذکور فوق را بدو طبق اجراء گذارند. مواردی را که مؤسسه انحصار می‌تواند از قرارهای مستطقی مذکور شکایت نماید و همچنین موعود و مرجع شکایت مزبور و طرز رسیدگی به آراء و ذرائع مالیه و عدلیه با موافقت بکدیگر بیوجوب نظامنامه مدین خواهند نمود.

**ولیس** - آقای دبیبا.

**طباطبائی دبیبا** - این لایحه چون جنبه مجازاتیش و جنبه قضائیش بیشتر است با عدلیه بنده باید بنظر آقای وزیر عدلیه هم برسد و رسید است تا مسأله آقای وزیر عدلیه هم تشریف نبراند که جواب سؤال بنده را بفرمایند ولی آقای وزیر مالیه که تشریف دارند البته جواب خواهند داد. مطابق اصول تفکیکات عدلیه مستطقی باید از قضات باشد یعنی مستطقی باید ربه قضای داشته باشد اینجا نوشته می‌شود (قرار توفیق اشخاص مذکور نشود) و مستطقی مربوط با اداره انحصار که وزارت عدلیه از میان مستخدمین دولت مین می‌کند صادر می‌نماید) قرار توفیق اشخاص را يك همچنین مستطقی بدهد بنده با این ترتیب بکلی مخالفم ما در مسائل قضای باید يك چیز تازه را قائل شویم در اصول تفکیکات عدلیه می‌باید مستطقی از قضات باشد و ربه قضای داشته باشد در این لایحه ما قائل می‌شویم مستطقی شخصی باشد که مربوط با اداره انحصار باشد و بدو هم مربوط با اداره انحصار که شد از بین مستخدمین دولت هر کس که باشد مین شود. قرار توفیق اشخاص را از بدو حقیقتاً این خیلی موجب تکراری است و بنده سربصاً با این ماده مخالف هستم.

**وزیر مالیه** - بنده گمان می‌کنم بیشتر استنباطی که برای

آقا حاصل شده است در عبارتش است این که نوشته است مستطقی که مربوط با اداره انحصار است چیز تازه نیست الا آن هم هست یعنی محاکم صلحی است که

مخصوصاً کار انحصار دارد و این مثل عبارت ترکی نوشته شده است که اجازه باشد می‌فرماید نوشته است مستخدمین دولت مثل اینکه مستخدمین دولت نباید بدین است که قضات باشد مگر قضات مستخدمین دولت نیستند و محاکم مستطقی دولت نیستند؟ خبر همه اینها مستطقی دولتند ولی در اینجا البته ما مانی که ممکن است یعنی البته هیچ مانی ندارد یعنی عبارت این را خارج نمی‌کند و منع نمی‌کند که از قضات باشند، ممکن است قاضی باشد یا ممکن است ربه قضای داشته باشد ولی در مواردی که خیلی بعداً کتبی محتاج شود البته می‌تواند وزارت عدلیه اشخاصی را مین کند مستطقی همیشه لازم نیست که خود قاضی باشد مستطقی مقام قضای دارد و از این جهت می‌تواند مین کند در آنهاجا تا حالا منظور می‌شد؟ تا حالا خود اداره انحصار و مأمورین انحصار این کار را می‌کردند و ما می‌خواهیم با بدو هم نظامنامه‌اش با موافقت وزارت عدلیه و دیگران برقرار شود و هم همیشه يك مأمورین و مستطقی که مخصوصاً برای کار قضای استخدام شده باشد قرار را از صادر کند و جس کند و آن شخص هم بتواند شکایت کند برخلاف رای مستطقی و در صورت شکایت باید بیاورد و رجوع کند و این معلوم است که مستطقی استقلال خواهد داشت.

**ولیس** - آقای مؤید احدی.

**مؤید احدی** - سه مطلب بود که بنظر بنده رسید و اینجا توضیح بخواهم می‌توسید (در صورت عدم تأدیه جریمه مقرر بقضای مؤسسه انحصار تریاک توفیق می‌شود و مادام که تأدیه جریمه را با موافقت مؤسسه مزبور تأمین نموده و با حکم قضای بر ادرات آنها صادر نغده است در توفیق خواهند ماند لیکن مدت توفیق آنها نباید در مقابل هر يك تومان بدو پیش از یکروز باشد و در حال از سه سال تجاوز خواهد کرد) سؤال اول بنده و توضیحی که بخواهم این است که هرگاه مجرماً که قاچاق کرد و گرفتند و جیش کردند بدو شکایت می‌شود؟ این را فرمایند که بد سوء استفاده از این کلمه نشود.

همان قانون کلی که در باب مقننین داریم که اگر پول کسی را گرفتند و خوردند و مفلس شدند همان قانون کالی را در دربارشان اجراء میکنیم اینجام وقتی اصدا و افلاس معزز شد باید مطابق همان قانون کلی با او رفتار شود موضوع دویم اینجا می‌تواند (فراز توفیق از طرف مستفتین نامور در دراز محکمه صادر می‌شود) اینجا دیگر البته بپن دارم غرض محکمه عدلیه است و محاکمات مالیه نیست قطعاً محکمه عدلیه غرض است و باید عدلیه را اشتهاد کند و این که می‌نویسد (فراهدی) فرموده قابل استنباف و نیز نیست) در حالیکه ما فرادالی که راجع همه امور چاهور جزالی و چه غریز آن صادر می‌شود قابل استنباف و نیز می‌دانم چطور می‌شود که یک فراری که بکنا متعلقه از مستخدمین دولت می‌نشد است صادر کرده است قابل استنباف و نیز نیست ایندرا هم عتشی را بنده تشیعیم چیست مطلب سوم هم این بود که باید توضیح بفرماید که این قانون شامل سابق نمی‌شود و راجع باز حالا به بند است.

**ولیس - آقای افسر موابقید ؟**

**افسر -** خیر

**ولیس - آقای وثوق موابقید ؟**

**آقا سید مرتضی وثوق -** بنده در عین اینکه نظریه آقای وزیر احمدی را تا اندازه صدیق دارم می‌خواهم از ایشان استعاضا کنم که اگر نظر به دارند پیشنهاد فرمایند و ممکن است خودشان هم تشریف بیاورند در کمیسیون و با حضور خودشان نظریه که داده‌اند تحت شور در ویاید ولی اصولاً از برای مجازات در این لایحه بکنا حداقلی مین شده است بکنا حداکثری و اینکه فرمودید مجازات در قانون سابق بیشتر بود وقتی که موضوعا مین کردید که اصلاً قاجاقچی باید مجازات شود این موضوع را که قبول کردید بعد در قسمت حداقل و اکثرش که نظریه داشته باشید ممکن است پیشنهاد فرمایند نادر کمیسیون اصلاح شود اگر کسی استنباف پنجماه متعال قاجاقی کرد البته مجازاتش نباید طوری

نمبره... مؤسسه انحصاری می‌تواند با اشتباهیکه در مقابل عدم توانای پرداخت جریمه توفیق می‌شوند فرادادها را برای وصول جریمه با اقساط استه و شخص مزبور را از توفیق خارج نمایند.

**پیشنهاد آقای امیر تیمور کلای:**

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۸ بطریق ذیل اصلاح و بقیه ماده حذف شود.

**ماده ۸ -** مرتکبین قاجاقی و مشمولین ماده ۸ قانون مجازات مرتکبین معسوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ که بایستی بطریق قوازمین مربوطه تریاک قاجاقی بد انزوت و محکومیت جریمه بر دارندند در صورت عدم تأدیبه جریمه مقرره بقضای مؤسسه انحصار تریاک توفیق می‌شوند تا پرداخت جریمه را تأمین کنند لکن مدت توفیق آنها باید در مهال هر دو مهال بدهی پیش از یک روز باشد و در هر حال از بکنا تجاوز نخواهد نمود.

**ولیر هالیه -** بنده مکرر عرض کرده ام که اگر دولت

خواهد در تمام امور دانش تریاک هر عملی دارد برود و محکمه استنباف و نیز و بکنا و اصلاح الا آن تصور فرمایید سی سال سی و بکنا است که این تریب کمرک و داتار درونی در این مملکت برقرار است و کمرک دارم مرتکبین قاجاقی خلاف می‌کند آنها هم بر طبق مقررات کمرکی جریمه می‌گیرند اظهارنامه ندهند جریمه می‌گیرند حالا اگر در یک مورد اظهارنامه نداد می‌فرمایند برود بکنا محکمه عدلیه و می‌فرمایند نامور دولت چشمش بک کسی می‌آید مثلاً می‌زند یک قر دارد قاجاقی میکند یا بگوید بفرمایند اینرا بر چه بزرگان من از شما شکایت دارم و بند برود بکنا محکمه و محکمه هم وقت مین کد که برود بهماز بست دوز دیگر بایاید آرتق قاجاقچی بایاید با دولت طرف شود چهار ماه در محکمه محاکمه نمایند و بعد برود در استنباف و بعد در نیز این اصلاً چه می‌شود؟ خودتان ملاحظه فرمایند آیا عملی است اینکار؟ دیگر بنده چه عرض کنم. (صحیح است)

**ولیس -** ماده ۹ قرائت میشود:

**ماده ۹ -** کسی که اداره انحصار جریمه از او گرفته یا برای وصول جریمه او را توفیق ننوده می‌تواند در صورتیکه منکر ارتکاب قاجاقی باشد نده روز پس از پرداخت جریمه یا نده روز پس از تاریخ توفیق با رعایت مسافت قانونی محکوم عدلیه مراجعه نماید در این صورت اداره انحصار دوسه ار را بکنا محکمه رسانده و در صورتی که بموجب حکم قطعی مجرم بزودن شاکي ثابت شد جریمه مأخوذه مسزود خواهد شد و هرگاه ارتکاب شاکي باجرم قاجاقی ثابت شد محکمه او را در مجازات حبس که برای مجرمین قاجاقی مقرر است و مدتی سی علاوه از جریمه مقرر محکوم خواهد کرد و شاکي تا حکم استنبافی بر اراث او حاصل نشده در توفیق خواهد ماند اداره انحصار تریاک مکلف است به تکلیف برای اخذ جریمه توفیق می‌شود کباً ابلاغ کند که در صورت انکار ارتکاب تا ده روز با رعایت مسافت قانونی می‌تواند محکوم عدلیه مراجعه کند و الا حق شکایت او ساقط خواهد شد.

**ولیس - آقای دیبا**

**طباطبائی دیبا -** این ماده حقیقه با یکده خیلی غریب است اجازه می‌دهد اداره انحصار نسبت به هر کسی سو نظر برد آن شخص را بیاورد توفیق کند جریمه اتی را هم وصول کند بعد آفتخص برود عدلیه شکایت کدا که در عدلیه نبره شد قها والا در آنجا مجازات سبدهزی برایش مین کند و من ندانم این چه اصلی است ما اجازه بدیم یک اداره کبیک تقرراً یاورد توفیق کند جریمه هم از او بگیرد آرتق آفتخص برود در عدلیه اگر نبره شد قها و اگر نند او را مجازات سبدهزی بکند؟ این ماده بقیده بنده هیچ سوئی ندارد.

۹ هم کسی که منته است و جریمه ازش می گیرند و به محکمه مراجعه میکند در اینجا هم ما نباید حکم قطعی قائل شویم اینجا باید همان حکم را در نظر بگیریم تا اینکه در ماده ۹ مدول قائل شود فرارهای مستثنای قایل است ایفای باشد مامم دداده ۹ حرفی ندانیم وقتی که ما قائل می شویم یکبار شخصی که منته است تحت تعقیب می رود و مستثنی هم فراری میدهد و قرار او هم استیفاء و نیزه ندارد برای یک نفر منتهی هم که به محکمه مراجعه میکند باید این حق را قائل شویم برای اینکه محکم است که تری که منته شد و به محکمه مراجعه شد تا مراحل محاکمه اش طی شود یکسال دو سال طول بکشد و این شخص باید در حبس بماند تا آزتف اگر محکمه او را تریه کرد از حبس خارج شود این باطلست دوسال عمرش مطلق تلفه شده و این خلاف عدالت است اگر مجرم در محاکم چیز شد محکوم شد همینطور که در ماده تصریح شده است بده از اشخاصی همت که می گویم باید بدهد زیرا که مجرم اصلی تشخیص داده شده است اما اگر محکمه از مجرم تشخیص نداده است نباید دوحسب بماند و عرض شایع شود این را باید اصلاح کرد بده بیخبرانم که خود آقای وزیر عالی هم که همیشه مراعات این مطالب را می کنند باین تاریخ بده موافقت خواهند نمود

رئیس - آقای ونوق

بنده نگارای آقای دیسا و آقای ملک مدنی را نمی توانم به عدل برایش معین کنم زیرا موفقی که قانون جزای عمال دولتی از این جا میگذشت آقا این فرمایش در فرمودند انجام بود که یک ماموری که منته شد به تعصیری او را می برند و توقیفش می کنند و بعد از آنکه عدم تعقیبش ثابت شد خراجش می کند مقصود بده این است که این يك چیز تازه نیست که امروز آقای وزیر عالی در قانون نوشته باشد و آقایان نگارای دانسته اند این را دانسته و وزیر عدلیه هم در قانون جزای عمال دولتی مذكر کرده اند.

وزیر عالییه - ملاحظه فرمایید که مامور وقتی که

می آید نزد مستحق اداره انحصار چشکل با او رفتار

می شود! و بده این را مکرر عرض کرده ام کریشتهامانی در این موضوع بنظر آقایان میرسد نهی فرمایند و بفرستند به کبیسرون و در کبیسرون شود می شود اگر مدول اساسی باشد البته کبیسرون قبول میکند.

رئیس - آقای دکتر طاهری

با اینصورت این لایحه برای توجیح و تشریح و استیفاء نسبت باجرای قانون انحصار تریه هست مذلک در این ماده ۹ يك نیشانی هست که لازم است تذکر داده شود اولاً یکی این است که وقتی که منته کرده اند که ناده روز حق اعتراض دارد خوب اگر بعد از بازده روز بده به محکمه مراجعه کرد محکمه حقیق کرده که اداره می حق بوده است جریمه اش را نباید بخش پس بدهند ببقیده بنده تعیین مدت دیگر لازم نیست برای رجوع به محکمه که اگر ناده روز بده مراجعه نکرد دیگر حقی ندارد خلاصه اینکه تعیین وقت بنظر بنده هیچ موجبی ندارد مگر اینکه بخواهد تعضیح حق او را بنماید این یکی بعضی دیگر این که می نوسد اگر شاکی به محکمه مراجعه کرد و در محکمه محکوم شد باید صدی سی علاوه بر جریمه مقررده از او اخذ شود خوب اگر چنانچه تریه شد آنوقت نایستی آن کسیکه منتهش کرده است آن را تعقیب کنند؟ این اصلاح خوب نیست. اگر چنانچه شاکی که حبس شده و جریمه ازش اخذ شده بدیده مراجعه کرد و در انجام محکمه شده که همان جا حبسش میکند و جریمه مقررده قانونی را ازش بگیرند دیگر این صدی سی علاوه از او گرفتار خلاف عدالت است یکی هم همان نظریه بود که آقای ملک مدنی فرمودند که این حکم قطعی حکم قطعی بنظر بنده قدری اصل موضوع را از بین می برد برای این که تا این حکم قطعی می شود مدت حبسش سر آمده است یکسال حبسش میکنند دو سال محاکمه اش طول کشیده بکسول هم زردی حبس شده تا اینکه حکم قطعی بشود. بهر صورت مقصود این است که عدالت بایشی منظور شود و طریق شناسای باشند نه اینکه منته ناده روز حق داشته باشد عرض حال بدهد و اگر هم محکوم شد از جریمه مقررده صدی سی علاوه بدهد بنظر بنده این فست ها را

خوب است دداده ۹ اصلاح بکند و کبیسرون هم در نظر بگیرد

وزیر عالییه - بنی که بر عدالت بوده و هست

ما حالا میخواهیم بوسیله این قانون عدالت را بیشتر کنیم اینکه نظرات این باشه که تصور فرمایید میان مال دولت دولتی که قایبان را میبرد و قایقچی شرایط شناسی باشد این خلاف عدالت است عرض میکنم اولاً این قایقچی گرفتن قایق در سد نود و دو آنهاست هستند که قایق میکنند حالا می شود اشتباه بکند و اشتباهی بگیرند و اینجا قایقچی ها معلوم است نمی روند به محکمه شکایت کنند مگر اینکه ایراد داشته باشند محکمه اوقات صرفه داد که در اکثر نتیجه برایش حاصل شد است که هیچ والا معلوم می کند که قایقچی است و محکمه هم صرف اوقساتی کرده است این است که اگر منته شد که قایقچی است و وقتی هم که معلوم شد است قایقچی کرده است باید يك چیزی زیادتر بدهد اگر هم قایقچی نیست که محکمه رجوع می کند و وقتی که ثبت شد که قایق نکرده است تریه میشود حالا می فرمایند این تصور از عمال دولت بوده است و باید آنها را مجازات کرد در این صورت آنها را چه مجازات میشود؟ دیگر نکته که آقای ملک مدنی اظهار فرمودند و سرکار هم فرمودند تریه مطلب يك چیزی بکنجاید که خوب در حبس نماند و زحمتی قائل نشود اما راجع بدمروز کفر مودید البته اینکار مدت لازم دارد این را که نمیشود در آن واحد صورت داد حساب جریمه را که نمیشود در ودایع گذاشت تا اینکه معلوم شود و آثار جرم هم از میان می رود و نمیشود هم ثابت کرد که صحیح بوده است یا نبوده است و البته باید يك مدتی جهش داد که برود شکایت کند و کسی که قایقچی نیست فوراً همان روز اول شکایت خواهد کرد که بیشتر بتواند ثابت کند که قایقچی بوده است برای اینکه گناهان باقی است ولی البته مدت میخواهد حلالا کرد روز روز کم است بیشتر نماند بیشتر

بدهد می رود کبیسرون

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده این ماده ۹ یکی از مواد

عناکات اصول و قواعد است و باید مجلسی با آن مخالفت کند زیرا تجویز میکند که ما اورین وزارت مدلیه هر کسی را که منته بکند آن مسئولیت و مرعوبیت داشته باشد و حال اینکه هر کسی که مسئولیت به قایق شد اصل این جا برائت او است و بسلاوه این قانون و این ماده بیک کبیته تنظیم شده که این را منته بخواهد اجرا کند نمیتواند برای اینکه تعهد میشود که اگر در محکمه ثابت نکرد مجازات خواهد شد و جریمه هم زیادتر از میزان مقرر خواهد داد بنده هیچ نمی فهمم که این ماده از روی چه فائده تنظیم و تشکیل شده است این است که بنظر بنده اگر این ماده اصلاح شود بی ضرر است. راجع بخواخته و مجازات اشخاصی که منته بقایق میشوند هم منظور که در سابق معمول بوده است که به محکمه مراجعه میداد و بعد از صدور حکم از محکمه از او جریمه دریافت میشد ببقیده بنده جهش و حالا هم باید معمول شود بملازه بدمروز بدم چطور ممکن است يك کسی که منتهی که بحکم يك محکمه مسئولیت عمق ندهد او را مسئول يك آدم محکومی تصور بکنند و پول هم ازش بگیرند و حبس هم بکنند این را بنده بسیار خطرناک میدانم و معتقد هستم که آقایان همکاران محترم هم موافقت فرمودند و اگر ممکن باشد بنظر بنده. موافقت فرمایند که این ماده اصلاح شود خیلی مصلحت است.

رئیس - پیشنهاد راجع بماده ۹ قرائت میشود.

پیشنهاد آقای چشمبندی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی قسمت اخیر ماده ۹ را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم و همراه ارتکاب شاکی بجرم قایق ثابت شد محکمه علاوه از جریمه مقررده او را بمجازات حبس که برای مجرمین قایق مقرر است محکوم خواهد کرد.

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد بینام در ماده ۹ (بموجب حکم قلمی حذف شود) و نوشته شود بموجب حکم بدوی الی آخر  
پیشنهاد آقای دکتر طاهری و دکتر احتشام

مقام منبع ریاست دائمه شوکت

پیشنهاد میشود در ماده ۹ مدت ده روز را تبدیل بیک ماه نماید.

ولگیس - ماده ۱۰ قرائت میشود:

ماده ۱۰ - جریمه را که مطابق قانون مرکب قاچاق باید بردارد اداره انحصار مستقیماً وصول خواهد کرد در صورتیکه میزان جریمه از صد تومان تجاوز نماید درسیه را اداره انحصار پس از وصول جریمه برای تعیین مجازات حسب به یار که بدایت محل خواهد فرستاد  
ولگیس - پیشنهاد مربوط به ماده ۱۰ قرائت میشود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میشود در ماده ۱۰ صدی سی علاوه از جریمه مقرر حذف شود.

دکتر طاهری - این مال ماده ۹ است اشتبهاً در اینجا نوشته شده

ولگیس - ماده ۱۱ قرائت میشود:

ماده ۱۱ - ماده ۷ قانون مجازات مرکبین قاچاق بموجب ۱۶ ارداد ۱۳۰۷ و مواد ۳ و ۴ قانون طرز

چالگری از قاچاق تریاک بموجب ۳ آذر ماه ۱۳۰۸ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است  
ولگیس - ماده دوازده قرائت میشود:

ماده ۱۲ - ماده ۱۰ و ۳ و ۴ اینقانون از اول خرداد ماه هزار و سیصد و یازده و سایر مواد آن فوراً پس از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد

ولگیس - ماده ۱۳ قرائت میشود:

ماده ۱۳ - وزارتین عدلیه و مالیه هر یک در قسمت مربوط بخود امور اجرای اینقانون میباشند

ولگیس - اشکالی نیست؟ (گفته شد - خیر) رأی میگیریم  
بورود در شور دوم یکصدی نامل فرماید عده کافی شود  
(در اینموقع عده از آقایان نمایندگان بمجلس وارد شدند و عده کافی شد) آقایانی که با ورود در شور دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد

(۵ - هفتم جلسه آتیه - ختم جلسه)

ولگیس - پیشنهاد ختم جلسه رسیده است (صحیح است)

جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده دو شنبه ۲۷ دی ماه ساعت ۷ بود از ظهر دستور لوائح متعلقه بوزارت داخله و اداره کل فلاحه و سایر لوائح موجوده (صحیح است) (مجلس ساعت یازده ختم شد)  
ولگیس مجلس شورای ملی - دادگر